

سایمان میرزا - آقایان البته فراموش نفرموده اند که بنده صحبت راجع به مجلس دوم بودم از مطالبات برای اینکه چند چیز را در نظر گرفته باشد یکی اینکه معلوم داشته باشد معاهده ۱۹۰۷ را تصدیق نکرده و دیگر اینکه یک حسی بر علیه اروپائی نشان نداده باشد چنانچه امروز این صحبت ها اینکه بنده می گویم که تمدن فلان یا مستشار هافلان اقدامات را کردند یک حسی بر علیه اروپائی نیست (صحیح است) این حس بر علیه تجاوزات آنهاست معنی این احصاءات آن نیست که ما نمیخواهیم مستشار از اروپا و سایر ملل داشته باشیم گفتگو در این است که ما نمیخواهیم اشخاصی که داخل خانه ما شده اند از حدود قرار دادی که با آنها بسته شده تجاوز بکنند اگر از یک دولتی مثل انگلیس یا غیر انگلیس مستشاری در زایون بود آیا بر خلاف آن قراردادش رفتار میکند اینطور آمرانه رفتار میکند خیر ما می خواهیم بگوئیم که امروز یک مملکتی هستیم دارای حقوق مشروطیت در قرن بیستم که قرن تمدن است و صحبت از حمایت ملل ضعیفه است می گوئیم اشخاصی که این اظهارات را می کنند علشان و مأموریشان و افعالشان مطابق ادعاهایشان باشد و آنطور رفتار کنند که یک مستشار در دودولت مساوی القوه رفتار می کنند اگر مأمورینی از فرانسه یا انگلیس یا از انگلیس بفرانسه بروند چطور رفتار می کنند همان طور که آنجا رفتار میکنند در مملکت ما رفتار کنند ما هم که یک قسمت از این دنیا هستیم حق داریم بگوئیم مملکت خودمان را خودمان اداره می کنیم مثل سایر ملل دنیا هیچ هستیم از هر جهت استقلال داریم مشروطیت ما قانون اساسی داریم همان حقوقی که سایر ملل دارند از برای ما هم از روی انصاف باید اجرا شود چیز دیگر نمیگوئیم البته ما احتیاج داریم که ادارات خودمان را موافق ترتیبات امروزه دنیا اداره بکنیم نواقص را تکمیل بکنیم و محتاج به مدین هستیم اما فقط و فقط این صحبت را که امروزه بنده می گویم و خبیب اسباب زحمت در این هوای گرم ظهر می شوم برای تجاوزات آنها است که از حدود خودشان تجاوز کرده اند باری مجلس دوم بعد از مطالبات مصلحت دانست مستشارهائی از جاهای دور دست بابت نظر عمیقی استخدام کرد از برای ما به از آمریکا از برای ژاندارمری و نظمیه از سوئد از برای عبدالعزیز از آنسو و سابق هم مأمورینی از صاحب منصبان روسی داشتیم مستر نیوراهم از برای تلگراف خانه مجدداً استخدام کردند در حقیقت مجلس شمشادخواست نشان بدهد که با همه ملل هیچ نظری غیر از نظریه ارتباط دوستی و یگانگی ندارد و میخواهد از معلومات آنها استفاده کند امروز که قرن تمدن است مثل سایر دول ادراش را منظم بکند انصافاً نباید فراموش کرد که مستشاران مایه مخصوصاً رئیس آنها مستر شوستر و مستشاران ژاندارمری و قوای امنیه و نظمیه رئیس آنها چه در نظمیه و سدها و (آرکیست و پریگدان) و چه در ژاندارمری (بالادش) خوب از عهده وظائفشان برآمدند مأمورین فرانسه هم در

دروازت داخل و عدلیه مشغول اقدامات خودشان شدند که قابل تجدید است مخصوصاً مأمورین مایه و ژاندارمری انصافاً قابل تقدیر بودند و البته هیچوقت گمان نمی کنم از تاریخ ایران معشود مجلس آن وقت هم کمک خودش را بامورینی که کاملاً وظیفه خودشان را عمل می کردند میکرد و از آنها همیشه مساعدت کرد دولت حاضر را و امید داشت با آنها مساعدت کند آنها هم انصافاً در ظرف مدت کمی مایه مملکت را بطرف اصلاح آوردند البته مملکت ما را که ژاندار مری و نظمیه باشد مرتب کردند چنانکه امروز آثار آنها در ژاندارمری و نظمیه و بعضی جاهای دیگر باقی است ولی چه باید کرد که آخر مجلس دوم منتهی شده بیکسسته که هیچ وقت از این یک نفر ایرانی فراموش نخواهد شد هیچ وقت در تاریخ ایران این مسئله مسکوت نماند نخواهد ماند منتهی شد بیک (اولتیا توم) خانمان برانداز برای اینکه مستشاران مایه که انصافاً برای مملکت ما خدمتگذاران واقعی بودند و مایه ما را مشغول اداره کردن شده بودند خارج کنند در روی این منبر نطق در روزیکه همه قسم احتمال خطر داشت اشخاصی که حالا اسم نمی برم مشغول شدند بقدا کاری و واقعاً تا آخرین ساعات عمر خودشان در مسئله حفظ مستشاران مایه کوشیدند (صحیح است) اما هیچوقت ضعیف مقاومت با قوی نخواهد کرد بالاخره با کمال تأسف ما را مجبور کردند و مستشاران مایه را از دست دادیم و اگر هر آینه مستشاران مایه با آن جدیتی که در آن تاریخ مشغول کار بودند موفق شده بودند مایه مملکت را کاملاً اصلاح کرده بودند و هیچیک از این ترتیباتی که امروز برای ما پیش می آید اتفاق نیافتاد و ما را مجبور بقرض ها نمیکرد شوستر با آن پیشنهاد هائی که کرده بود هیچوقت فراموش نمیشود که بعضی از آنها در مجلس مطرح مذاکره شده بود و بعضی از آنها در منزل بعضی از و کلا از جمله در منزل بنده هست البته مایه را اصلاح میکرد اما انصافاً اشخاص با تمدن با ما همراهی نکردند مخصوصاً حکومت تزاری با یک فشاری مملکت ما را مجبور کرد که آنها را از دست بدهد اهالی هم در وقت حرکت شوستر خیلی قدر شناسی از آنها کردند اما چه فائده هیچ اثری نکرد مجلس دوم خود را تا آن ساعت آخر برای خدمتگذاران واقعی مملکت فدا کرد (صحیح است) باین امتحان تمام دنیا فهماند که ایرانها خدمت یا مسامحه کاری را خوب نمی بینند چه مجلس شورایی و چه افکار عمومی قدر مستخدمین وفادار و خدمتگزاران واقعی را میدانند این بود که تمام برضد این اولتیا توم حق شکستنه که برخلاف تمام حقوق بین المللی بود کوشیدند اما نتیجه این کار چه شد منتهی شد به برهم زدن مجلس این نعمت را از ما بردند و بهر طرف که تلگراف کردیم و فریاد کردیم که ما ملت هستیم میخواهیم مملکت خودمان را اداره کنیم هیچ فائده نکرد متأسفانه کسی با ما آنطور که باید مساعدت بکند نکرد نتیجه کار چه شد صاف و ساده مجلس منحل و یک وزیری که همه خوب میشناسند و امروز نمیخواهیم که اسم او را ببریم بیک ترتیباتی اولتیا توم

را قبول کرد و آن اشخاصی که آن اولتیا توم را قبول کردند تا آخرین ساعت که جانم باقی باشد میگویم باید معاکه شوند آن بیچاره ها در آن موقع چه کنند و قتیکه تمام قوای مملکت و ملت و مجلس متفقاً دفاع کرد پیش نبرد آنها چه بکنند آن وزیر هم خواهد گفت همه شما با اتفاق متحد شدید و نتوانستید پیش ببرید من یک نفر قبول کردم فقط ایرادی که من میگویم این است که تو هم میخواستی با ما استعفا کنی البته هیچیک از مردم این یادگار را فراموش نمیکند و بالورائه باولاد خودشان نسلا بعد نسل میسازند که یک ظلم و تعدی با ما شده اند و هیچوقت فراموش نکنید چنانچه منکه اولاد ندارم بخوانده ام همیشه گفته ام البته زار دهم تکرار کرده ام اقرار میکنم که بنده یکی از آن اشخاصی هستم که کاملاً بر علیه این اقدام ویر علیه اقدام گذشته بودم هر چند میدانم در مبارزه کمتر از پشه بودم که بخوانده ام اعلام مبارزه با شیر بکند البته طرف مقابل هم خوب میشناخت که این اشخاص عده معدودی هستند که بیشتر از همه داخل این مسئله میشوند کی ها هستند چنانچه یگانه شاهد این مطلب رجوع بکتاب آبی است در تلگرافاتیکه مرحوم سردار اسعد ترجمه کرده اند خواهید فهمید اغلب اشخاصی که در آن دوره تبعید شده اند نه تنها دمورات بوده اند اشخاصی بوده اند که بیشتر اظهار حرارت کرده و بیشتر افکار ملت بردند آنها گرفتار و تبعید شدند شاید حکومت تزاری باین هم راضی نمیشد که آنها در داخل مملکت گرفتار باشند و خیلی ترقیات دیگری رامایل بود اما بعد از موفق نشد البته در ضمن این وقایع مسیوق هستید که حکومت تزاری مخصوصاً با ما چه رفتار ها کرد و چطور معامله کردند هر چند خیلی از آقایان میگویند موقع این صحبتها نیست ولی بنده موقع پیدا کرده ام آنچه در قلم دارم بگویم (گفتند صحیح است) میدانید که حکومت تزاری نه احترام اما کن مقدسه ما را نگاهداشت (گفتند صحیح است) و نه احترام ملیت ما را منظور داشت با همه تمدن قرن بیستم یکی از بهترین بقاع اسلامی بخصوص بقعه حضرت رضا علیه آلاف التحية والثناء را بتوب بست کتابخانه آن مکان مقدس را که یکی از آثار تاریخی مملکت ما بود در آذربایجان در مقبره شاه صفی کتابخانه قدیمه اش را بتاراج برد که شاید هنوز در موزه های روسیه و سایر نقاط آن قطعات تاریخی که آثار زندگانی ملیت ما است و بیاد یغا برده اند باشد این صدمه را با بدبخت ملت چرا وارد آوردند فقط برای اینکه ضعیف هستیم و باید اشخاصی که همه قسم ادعای حمایت ضما را میکنند با ما اینطور رفتار کنند وارد شدند در تبریز شهر دوم مملکت ما با یک قسمتی از هم عقیده های ما که بر علیه اولتیا توم بودند مثل مرحوم تقة الاسلام و سایرین آن اقدامات را که میتوان با کمال نزاکت بگویم وحشیانه بود هیچ مناسب با تمدن قرن بیستم نبود اجرا داشته از صلب و اعدام هیچ چیز فروگذار نکردند چنانچه یروفور برون اکثر آن صورتهارا در کتاب خودش جمع کرده و دارد (چه باید کرد) بله اشخاصی در اروپا هستند که بتنهائی دارای خیالات خیلی عالی هستند و ضعیف و قوی را فرق نمیگذارند مستشرقین در تمام ممالک

مثل یروفور برون هستند اما چه میتوانند بکنند معلوم است بعد از این ترتیب البته آن اشخاصی که بر علیه اولتیا توم بودند هر جا بدستشان می آمد آیا غیر از معامله که با مرحوم تقة الاسلام و سایرین کردند چه میکردند اگر قشون روس وارد تهران میشد آیا با ما بطور مرحمت رفتار میکرد آینه ما و مقتدرات ما در همان تاریخی که قشون تزاری روس بداخله تهران میرسید محقق بود و مثل روز روشن بود که مملکت های ملرا یروفور برون در کتاب و روزنامه خودش باید چاپ کند و در پایتخت ایران هم صلب و اعدام و آن ترتیباتی که در سایر قسمت های مملکت ما کردند مجرب میشد بانه زیرا سیمان میرزا یا مساوات و سایر مهاجرین مثل آقای مدرس آقای طباطبائی و آقای ملک الشرا هیچکدام امتیازی برحوم تقة الاسلام نداشته و همان قفس مارو همان کاریکه حکومت نظامی در تبریز کرد در تهران هم میکرد آنوقت چه میشد آنوقت بازماندگان من مثل من در اینجا روضه میخواندند چنانچه بنده الان آن وظیفه را مشغول هستم و مدتی وقت آقایان را تلف کردم و قدری از تزلزلی و قدری از مطالب کلی که باین مملکت بدبخت رسیده عرض کردم ایمن بود روزگار ما و باز هم معلوم نیست که روزگار ما چهطور میشود شاید باز هم آن روز تکرار شود باید گفت و نباید نفعت بعد از این ترتیب آمدیم دوره سوم مجلس جنگ بین المللی شروع شد متأسفانه از برای ایران بلکه برای تمام عالم یک جنگی که شاید در تاریخ نمونه اش تا بحال دیده شده و فکری بنده حاضر است که بدان علت سیاسی آن چه بوده یا بگویم تقصیر از کدام طرف بوده هر کس مسبب او بوده نمیدانم لیکن اثراتش این شده که صدماتی چه از حیث نفوس و چه از حیث ثروت و از حیث تمدن و از حیث ترقیات دیگر که شاید فرها بگذرد و نتوانند جبران کنند بشام وارد شد مملکت ما در این تاریخ یک سیاست بیطرفانه اتخاذ کرد اعلم حضرت همایونی که یگانه باعث امیدواری مملکت و یگانه افتخار خانواده هستند که بنده بآن منسوبم از این نقطه نظر میگویم که ایشان همه قسم در این مسئله تأکیدات فرمودند و همیشه با نهایت جدیت رعایت بیطرفی را مقرر کردند و مجلس هم تا آنوقتیکه بود رعایت بیطرفی را کرده ممالک معامله دو طرف داشت ما که ضعیف بودیم بیطرف بودیم ولی آنها که قوی بودند مثل سایر اقویا بیطرفی ما را قبول نداشتند ظاهراً می گفتند بیطرفی ما را قبول دارند اما باطناً بیطرفی ما را قبول نکردند قشون ترکیه در تحت ریاست حسین روف بیک از یکطرف وارد مملکت ما شد جنگ حسین روف بیک را همه بهتر می دانند که در آنوقت مجلس بود اول شکستی که بر بیطرفی ما وارد شد این بود هر چند روسها کدر مملکت ما بودند در هر صورت از دو طرف روسها و ترکها وارد مملکت ما شده بودند و اول کسی که بیطرفی ما را منظور نداشت حسین روف بود که با یکمده وارد شد و خیالاتی که داشت چه بود و چه نبود نمی دانم داخل در تنقید و تصدیق آن خیالات نمیشوم و مربوط ببنده نیست همین قدر که می گویم بنده زود و یک قسمت مملکت را که کرمانشاه بود مسئله

حسین روف بیک در آنجا اتفاق افتاد عموماً ایالات بخصوص سنجایی ها که مثل بختیاری ها هستند و همیشه این دوایل در مشروطه امتحانات خودشان را نشان داده اند فداکاری کرده اند باز موقع امتحان برای سنجایی ها رسید بی مضایقه اقدام نمودند و حفظ قومیت خودشان را کردند و آنقدر که نمیتوانستند جنگیدند و بالاخره هم موفق شدند و حسین روف بیک را از آنجا بطور رسمی و غیر رسمی با وجود آنکه دولت بیطرف بود بیرون کردند پس اول کسی که تفنگ برداشت و جنگ کرد آنها بودند آنوقت مجلس هم بود ولی این را بر خلاف بیطرفی حساب نکرد و حالاً هم حساب نمیکند چرا که ما بیطرفیم اما قتیکه دیگری بیطرفی ما را منظور نمیدارد حق دفاع داریم تنها ما نیستیم بلژیکی ها هم همین طور وقتی که آنها هجوم شد تا آخرین نفس تفنگ دست گرفته جنگیدند و بی طرف هم بودند و شاید هم هنوز تمام دنیا آنها را بیطرف میدانند و یکی از گفتگوها بیکه راجع بجنگ میشد همین بود که می گفتند بیطرفی بلژیک نقض شده منتهی مملکت ما تقصیرش این است که ما آسیائی هستیم در این جا گفته شد که آخر مملکت ایران بیطرف است غرض این است که از طرفی بطور تساوی بیطرفی ما را مختل کردند در روسیه که از اول حکومت تزاری بود این صحبت های مشروطیت را از اول نداشت حکومتی بود سیاه واقعاً سیاه از آن سیاهانیکه بنده هیچ اعتنی برایش پیدا نمی کنم که بگویم حتی از افضل التضیل بالاتر بر سر نیز تمام آزادیخواهان دنیا را در هر جای نامی کرد خواه در مملکت ما خواه در مملکت خودش معذوم می کرد مثل تبریز و سایر جاها کردند آنچه کردند چار آمدند هر چه گفتگو شد با مجلس شورای ملی گفتگو کرد با وزراء گفتگو کردند اثر نکرد آنچه البته بجای نرسد فریاد است البته جواب سر نیزه را سر نیزه میدهد جواب سر نیزه را حقوق بین المللی ندیده البته سرباز در تحت یک اجباری است که باید بیلا دستش بگوید بلژیکی وزیر دستش امر بکنند و چون آنوقت هم کاملاً حکومت نظامی بود فریادهای و کلاه یا وزرا بلند شد که ما بیطرف هستیم بکوفتی قوی ترین ملل دنیا بودیم چه کردیم و چه افتخارات تاریخی داریم فائده نکرد سر نیزه بود که جلوی آمدن تانکهای تهران هم رسیدند از قزوین هم گذشت در این موقع یک عده معقلاً میدانستند این اردو باین ترتیب که پیش می آمد روز ورود بطهران آن روزی است که آخرین ساعات زندگانی آنها خواهد بود آن روزی است که بتجاه دولت آنها را محافظت کند آن روزی است که هیچ حقوق بین المللی هیچ حمایت معلوم هیچ از این گفتگوها بخرج نمیرود و ما می دانستیم هر یک از صاحب منصبان روسی در پایتخت مملکت یک دسته از کلاه یا غیر و کلاه را خواهند گرفت و در میدان توپخانه یا میدان مشق بدار خواهند زد فقط یک اثراتی در آینه خواهند داشت چنانکه امروز من برای آذربایجان می گویم چون بعد هم می گفتند مسئله بیطرفی است مضایقه ندارم از اینکه بگویم که دولت دیگر هم مشغول تبلیغات بود بنده نگویم دیگر آن خواهند گفت صاف و ساده

آنها هم مشغول تبلیغات بودند که بر خلاف بیطرفی بود بعضی بواسطه قشون بعضی بواسطه تبلیغات فقط در این میدان مبارزه یک قسمت سیاسی یک قسمت نظامی از طرفی مشغول کار بودند خیلی اتفاق هم افتاد نمیخواهم طول کلام بدهم و به آقایان بآن زحمت بدهم همه قسم اتفاقات در مملکت ما افتاده احترام سفارتخانه ها منظور شد بعد از رفتن مایک سفیر یک دولت بزرگ اسلامی را گرفته و تبعید کردند نه احترام موسسات ملی منظور شد نه سایر احترامات منظور شد سر نیزه شان هر چه میخواست می کرد باز هم اجازه بدهد یک قدری جاو میروم البته فراموش نفرموده اند که در موقع التیا توم هیچ اسلام و علمای مذهب اسلام قوی دادند مقاومت بر علیه این حکومت تزاری را یکی از مسائل مقدمه مذهبی و وظیفه هر مسلمانی دانستند و خودشان هم حرکت کردند چنانکه در این حرکت همه میدانند یکی دو نفر از روسای آنها رحلت فرمودند و البته درجاتشان عالی است و اقداماتی کردند و بهمه جا قتاوی منتشر کردند که همه میدانند اگر بخوام همه را شرح و هم اسباب زحمت آقایان می شوم در موقع جنگ عمومی و بین المللی هم با مطلب تکرار شد چنانچه علاوه بر گفتن عمل کردند در عراق عرب و آذربایجان قریب به هم باتفاق کلیه به فروت رفتند و جنگ کردند کشته شدند و به تمام ترتیبات اقدام کردند و تمام وظائف مذهبی خودشان را انجام دادند پس آنها هم اشخاصی بودند که بر علیه مذهب و بر علیه ملیت ایران قیام کردند اقرار میکنم هیچ ملاحظه ندارم بلکه یکی از خدمات ملی خود می شمارم ماها و قتیکه سابقه اعمال حکومت تزاری و طرقت آنها را با خودمان میدیدیم آخرین ساعات عمر خودتان را معرفی ورود آنها میدانستیم و قتیکه اردو به کرج چند فرسخی تهران رسید در آن ساعت بدون استثناء مثل سایر مواقع فوق العاده همه حاضر برای فرار شدند چون در مقابل این صدمات که ظلم و حق ناشناسی که حکومت تزاری به اهالی ایران میکرد حکومت ایران میخواست خود را بکنار بکشد زیرا میدانست هیچ عقاید سیاسی و حقوقی جلو این اردو را نخواهد گرفت تنها یک عده اول فرار کردند که بنده هم جزء آنها بودم فرار کردم اگر بگوئیم مثل یک نفر واقعاً حرف بمزن مواضع خواهم گفت آن فرار را از قبیل الفرار مالا بطلاق من سنن الانبیاء و المرسلین میدانستم معلوم است هر کس زورش نمیرسد چه باید بکند بنده را میکشد (بصداقت لائقوا باید کم الی) لکنه که باید فکری برای خود بکنیم معلوم است آن ساعتی که قشون روسی وارد تهران میشود بانک جماعتی در میدان توپخانه و میدان مشق بدار آویخته میشدند پس آن جماعت عقلاً و شرعاً و عرفاً وظیفه شان این بود که قرار اختیار کنند این فرار آنها برای این بود که خودشان را خلاص کنند خوب آ با این فرار آنها بر خلاف حکومت ملی بود بنده عقیده خودم را عرض میکنم هر کس هر چه میخواهد بگوید آن فرار آنها از نقطه نظر مذهبی و از نقطه نظر ملیت و از نقطه نظر حفظ جان بود آ با اگر امروز پنج نفر از کلاه بدون اجازه از

مجلس در هر موقعی که باشد غیبت یا مسافرت بکنند بر خلاف حکومت ملی اقدام کرده اند (گفته شد مربوط بموضوع نیست ملاحظه نکنید)

سلیمان میرزا - اجازه بفرمائید حرفها بزنم هر چه از این فرمایشات بشود من مطالبم از یادم ندرود اجازه بفرمائید حرفم را بزنم و اگر ملاحظه میکنم بفرمائید ملاحظه میکنی بندهم تصدیق میکنم يك قسمت از این اشخاص در ۷-۸ ذریجه که بندهم جزء آنها بودم قرار کردند يك قسمت دیگر بعد از رفتن ما بمقام حرکت کردند نمیدانم با اتفاق کردند یا نه يك قسمت دیگر بعد از آنکه در قم بودیم گویا در هفتم ماه حرم حرکت کردند تقریباً دوشت و کلاه آمدند به قم از هه مهمتر این بود که شنیدم کالاسکه شخص بشخص اعلم حضرت همایونی خدایه ملکه و سلطانه را هم حاضر کردند و اگر غیر از این بوده آقایانیکه در آنجا بوده اند می توانند تکذیب کنند (بنده شنیدم صدق و کذب را آقایانیکه در طهران بودند بهتر میدانند شنیدم شخص اعلم حضرت امیر بحرکت فرمودند و کالاسکه سلطنتی را حاضر نمودند نایب الحکومه یعنی نایب السلطنه هم تعیین شد و گفتند وزراء هم حرکت کردند و خواهند آمد و حتی در قم يك تلگرافی آمد که اعلم حضرت همایونی حرکت کردند بندهم اینطور شنیدم لکن بعضی تغییرات سیاسی یا از طرف مأمورین سیاسی یا از طرف اعیان و اشراف پیش آمده که از حرکت فرمودنشان منصرف شدند در این موقع مصادف شد حرکت کردن ما با حرکت کردن يك عده از سفارتخانههای طرف مخالف و يك عده اشخاصی که از طرف مقابل در ایران بودند یعنی بنده وقتی به قم می رفتم چند نفر از صاحب منصبان آلمانی هم در آن راه حرکت میکردند بنده آمی می توانستم جلو آنها را بگیرم و بگویم آقایان بنده از ترس روسها فرار کردم شما فرار نکنید تصادف بود شاید هم از روی غیرواقع بود بالاخره آنها هم حرکت کردند و رفتند ما هم حرکت کردیم و رفتیم حالا اگر تصور بفرمائید این مخالفت است بنده عرض میکنم ماها از نقطه نظر خودمان بعضی کارها کردیم حالا اگر بفرمائید در آنجا مصادف شدیم با آنها و رفتیم به قم شاید در این جا بعضی آقایان بفرمایند بعد از آنکه شاه حرکت فرمودند و بعضی از آقایان هم مراجعت کردند و يك عده از کلاه را که ۳ نفر بودند از طهران فرستادند که در کاشان بمانند رسیدند که یکی از آنها عبدالملك و یکی ارباب کبیسرو و یکی میرزا قاسم خان بودند (و آقای ارباب کبیسرو الان در مجلس نیستند و نمیدانم امروز چرا تشریف نیاورده اند) بالاخره ایشان آمدند و ما وقتی که باصطلاح در قم مشغول جنگ شدیم روسها پشت سر ما میآمدند و هر وقت ما میرسیدند معامله آذربایجانی ها را با ما می کردند آیا باید من بایستم و دستم را به بندهم و بگویم من بیطرف هستم بیا تید سرم را ببرید این يك چیزی بود که من نتوانستم بکنم و اگر هم میکردم از روی حماقت بود در آن موقع

باندازید بکاه و کسری يك کم تصدع دفاع ملی درست شده بود که بندهم در آن هیئت سمت ناظره داشتم و بر عا به روسها هم قسم اقدامات کردم چنانچه بر عا به هر مملکت اجنبی که بخواند در این مملکت داخل شود اقدام خواهم کرد و صریح میگویم اگر چه خطر هم برای من داشته باشد این بود که يك مقداری عشاير و يك مقداری از قوای دولتی و يك مقداری از قوای متفرقه با کمک کردند منکه میخواهم از خود دفاع کنم هیچ فرض نمیکنم که آن سربازی که میخواهد از من دفاع کند آیا اخلاقی چطور است میخواهم او برود جنگ کند نه اینکه داخل در اخلاق آنها بشوم تقریباً چهل روزی روزی در خطرم نیست اقامت کردیم بعد آنها می جلو آمدند ما هم عقب می رفتیم شاید نصف آقایان با نشت آقایانیکه این جا هستند باشند در این مسئله شریک بودند تمام دفاع از جان و مال خود میکردیم از زدن گانی خود می کردیم این جا تقریباً گفتگوی حفظ مملکت از بین رفته بود گفتگوی این بود که هر کس خودش را خلاص نماید و حفظ کند در این عقب نشینی و فرار چون آنها قوی بودند و ما ضعیف از ما هر چه بدست می آوردند می کشند خواه اسلح قوای دولتی بود خواه قوای ملتی بکنی برخلاف هم بودند و مثل سیل جلو می آمدند معلوم است مثل مسئله جنگیز خان سوختن و غارت کردند رفتند و هر کاری خواستند کردند و ما هم هر قدر توانستیم عقب رفتیم تقریباً ۳ ماه بنده از سایرین دور مانده بودم ۳ ماه مابین بنده و اردوی روسی که مارا تعاقب کرده بودند بازده فرسخ فاصله بود در نزدیکی خرم آباد و بر وجود و راههای جنگل و غیره و همه جا عشاير با ما کمک میکردند بالاخره در بیست و نهم حوت رسیدیم به قصر و در آنجا به سایرین ملحق شدیم و از آنجا ترتیباتی برای ما درست شد

رئیس - جلسه را اگر آقایان موافق باشند بماند برای دوساعت قبل از غروب چون ایشان خیلی نطق کردند و می گفتند ۴ ساعت باید نطق کنم دوساعت گذشته است دوساعت دیگر باقی است آقایان خسته شده اند ایشان هم باید خسته شده باشند آقایان موافق هستید ؟

سردار معظم - بلی چون يك ساعت از ظهر گذشته است بنده هم موافق خوب است حالا جلسه ختم شود و باز دوساعت بفرود مانده شروع شود تا هر قدر از شب گذشته و این بلطه ما هم برای تماشاچی ها اعتبار داشته باشد (مجلس تصدیق کردند)

رئیس - آقای آقا سید بقوب اجازه نطق

آقا سید یعقوب - عرض بنده این بود که ممکن است حضرت والا نفس تازه کنند باز ۴ ساعت دیگر صحبت کنند

رئیس - آقای مدرس اجازه نطق

مدرس - عرضی ندارم و بامیل آقایان موافقم

رئیس - پس جلسه می ماند برای دو ساعت بفرود (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملك

جلسه هفت صورت مشروح - مجلس عصر يوم سه شنبه ۲۷ ذی قعدة ۱۳۳۹ مطابق دهم اسد ۱۳۰

مجلس يكساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

رئیس - صورت مجلس امروز صبح حاضر نیست با صورت جلسه حالا فردا صبح تواتر فرائت میشود آقای سلیمان میرزا برای مضم نطق خودشان حاضر هستند ؟

سلیمان میرزا - بلی آقایان فراموش نفرموده اند که در این سفر نامه تا تاریخ مهاجرت که بنده اظهار میکردم در وقتیکه مجلس ختم شد به اینجا رسیده بودیم که در ۲۹ حوت به قصر شیرین وارد شدیم از آنجا بترتیب مهاجرت ما يك صورت دیگری پیدا کرد یعنی منتهی شد به تشکیل حکومت موقتی در تحت ریاست آقای نظام السلطنه و يك عقب نشینی بعد از حمله روسها به بغداد و از آنجا بعد بنده خارج از این مسئله هستم راجع بشخص خود صحبت میکنم زیرا مبتلا بمرض خیلی سخت شدم و در تشکیلات حکومت موقتی بهیچوجه بنده نبودم و اگر بخوانید تاریخ آنرا مفصل تر بشنوید بایست آقای مدرس لطفاً بیان فرمایند زیرا از آنجا بعد اطلاعات ایشان عمیق تر و کامل تر است چون بنده در خارج بودم مثل سایر اشخاص که در خارج هستند همین قدر میتوانم عرض کنم که بکمر بنده دیگر هم قشون یکی از همسایگان بهمدان آمدند و مهاجرین برگشتند به کرمانشاهان باز مجدداً ترتیبات دیگر پیش آمد و بغداد سقوط پیدا کرد این دفعه ترتیبات طوری پیش آمد که دیگر نتوانستند در کرمانشاهان بمانند يك قسمت بطرف موصل رهپار شدند و از موصل باز دو قسمت شدند يك قسمت هشت نفر که بنده و آقای مساوات و آقای تنکابانی و آقای خلغالی و بعضی دیگر بودند در موصل ماندیم باقی آقایان تشریف بردند باسلامبول و حلب بکلی از آن تاریخ بنده بی اطلاع هستم باید خود آقایان اگر صحبتی در اینجا هست بفرمایند بنده بعد از آنکه هشت ماه در موصل ماندم بالاخره تلگرافی از طهران رسید که شما با مساوات و ۳ نفر دیگر بوکالت انتخاب شده اید چون حکومت در صدد این است که مجلس شورای ملی را بزودی باز نماید بهتر این است که بغوریت بطهران حرکت کنید بنده هم فوری حرکت کردم و بعد از بنده و اخوی که حرکت کردیم آقای تنکابانی و حاجی محمد تقی شاهرودی و خلغالی هم حرکت کردند آمدیم بداخله مملکت بخیال اینکه میرویم به مملکتی که حتماً میتواند و کلاش را حفظ کند در صورتیکه رفقای بنده میگفتند مجدداً يك خطری میرویم بنده ایشان یاد آوری میکردم در صورتیکه مملکت مرا دومرتبه احضار میکند يك دقیقه ماندم را در خارج صلاح نمیدانم مخصوصاً در موقع انتخابات مجلس باید سرعت رفت آمدیم يك مسئله دیگری پیدا شد در اینجا بنده حق داشتم

زیرا وارد شده بودم بیک مملکت بی طرفی که بی طرفش را همه تصدیق میکردند اما از اینجا مطالب ترتیب دیگری پیدا کرده بود یعنی آن حکومت تزاری و ترتیب روسیه از میان رفته بود کم کم يك انقلاباتی در روسیه پیدا شده بود آن حکومت از میان رفته اما در عوض همسایه دیگر جانشین شده بود تفاوتی نداشت پلیس جنوب شروع شده بود که هنوز هم اثر آن تجاوز حق شکنانه باقی است (گفته شد صحیح است) و بزرگترین تجاوزات بحقوق ملی در مملکت ما تولید شده بود و پلیس جنوب بر خلاف تمام اصول استقلال مملکت تشکیل شده بود و هنوز هم بدبختانه در مملکت باقی است (همه تصدیق کردند) و اثرات او هست بنده ببقیده صاف خودم از طرف نمایندگان و سایر اهالی فریاد میزنم که این حق شکنی است و خلاف قانون است (گفته شد صحیح است) و بهیچوجه ما زیر این بار تعذبات نیرویم این ظلم های فاحش که بامیچاها میشود عیش این است که ما ضعیف این مسئله دوم از مسئله اولی تعجیش بیشتر است زیرا در اول هر چه روسها اجداف با می کردند میگفتند حکومت تزاری و وقتیکه بر خلاف آزادی مملکت خودش باشد البته بدیگرانهم تجاوز میکنند و آزادی دیگران را هم ملاحظه نمیکند اما باللهج فشار از طرف دولتی باو میآید که هنوز خودش را مشروطه میدانند با وجود اینکه خودش را حامی ملل ضعیفه میدانند يك چنین دولتی که خودش را حامی عدل و داد می داند هنوز پلیس جنوب بر خلاف تمام اصول آزادی ملل در مملکت ما بر فراست ما مجلس داریم و پلیس جنوب بر خلاف رضایت تمام اهالی و کلا ما است يك قسمت از مملکت ما را بدون جهت اشغال کرده عیناً مثل معامله تزاری است هیچ تفاوتی ندارد بین ما مهاجرت کردیم و لی مهاجرت بیایان آمد و همینطور شرح هجران باقی است حالا هم گفتگوی مهاجرت است حالا هم گفتگوی دیگری هست حالا که مجلس شورای ملی بعد از الله باز و ملت هم حقوق خودش را مطالبه میکند اما متأسفانه هنوز پلیس جنوب هست و يك قسمت جنوبی مملکت که اولین نقطه تاریخی مملکت ماست پایتخت قدیمی ما است فارس عزیز (استخر) که تمام آثار تاریخی ما در آنجا است هنوز در تحت تسلط پلیس جنوب است بنده نمیخواهم بقول بعضی ما لا یقطع بگویم حبس و تبعید و فلان ولو اینکه ایندفعه بیای دارم پرور این مطلب را صاف میگویم و همه بامن موافقت که مملکت ما هنوز با این ترتیبات مستقل نیست پلیس جنوب برخلاف بیطرفی ما است و اولین وظیفه ما ملل الفاء قرار داد از هم در بین و متفرق کردن پلیس جنوب است حقیقتاً آرزوی می فهمیم يك قدری استقلال داریم که پلیس جنوب ملتی شود اگر تعذبات پلیس جنوب را که خارج از وظیفه است از اهالی ست جنوب ببرد آنوقت يك دفتری که بزرگتر از شاهنامه است بشماها نشان خواهند داد اشخاصی هستند که کاملاً وطن خواه و برای مملکت خودشان جنگها کردند مثل رؤسای دشتی و دشتستان آن بدبختها هنوز بعضی

در تحت فشار و بعضی از بیچاره ها کشته شدند و بعضی هم هنوز امنیت ندارند این است اوضاع مملکتان این است بدبختی و فلاکت ما بلی بنده هم می آمدم که اگر موفق شوم و پایم بکرسی مجلس شورای ملی برسد بدون ملاحظه فریاد بزنم که این است اوضاع يك مملکت بیطرف این است رعایت قوانین و استقلال يك مملکت ضعیفی که ما در آن هستیم این است رفتار دول حامی ملل ضعیفه در صورتیکه در مرکز اروپا میگویند باید صلح بین المللی منعقد شود بهر حال آنوقت هنوز نمیدانستیم و حالا تقریباً يك قدری میدانم میدانم روسها از طهران رفته اند و بخیال اینکه روسها رفته اند و من انتخاب شده ام میگفتند که دیگر کسی بن حمله نمیکند بنا بر این باید يكسره بیایم بطهران و همه حرفهایم را در بالای کرسی نطق بزنم و فریاد بزنم که این مملکتی که من هم یکی از افراد آن مملکت هستم تمام حیثیات آن از میان رفته از سمت شمال و جنوب پامال تعذبات اجانب شده اما این خیال خیال بیغودی بود همین قدر که وارد قصر شیرین شدم اوضاع را که دیدم دانستم این احساسات خطا است بلا فاصله يك کافهی بسردارهای ایل سنجایی نوشتم که آیا ممکن است مرا در ایل قبول کنند آنها هم با کمال مردانگی قبول کردند آمدیم در ایل پس از آنکه مدتی با آنها ییلاق و قشلاق کردیم که ببینیم اوضاع چطور است و چه میشود در آنوقت يك شب باز دیدم رعایت بیطرفی مملکت ایران شد در وقتیکه باران میآمد چهارصد نفر سوار هندی چادری را که بنده در آن بودم و اطراف آن ایل سنجایی بر دم معاصره کردند با دوات و میل زره پوش و شش مینرالوز بنده را که يك نفر و کیل مملکت بودم و انتخاب شده بودم و بطرف مرکز می آمدم و در مملکت خودم بودم گرفته و بردند رعایت بیطرفی را کاملاً حامیان ملل ضعیفه مجری داشتند خیلی صحیح تمام حقوق بین المللی را منظور داشتند منتهی يك فرق داشت نشان دادند که اگر در طهران میماندی و قشون تزاری تو را می گرفتند اعدام میکردند ولی ما که حامی ملل ضعیفه هستیم این فرقه را با آنها داریم که شما را مثل یکی از اسرای جنگی در عده اسرای خود نگاه میداریم هشتاد در بغداد و هفتاد در بصره و یازده ماه در بجای محبوس بودم در این مدت در طهران اهالی بواسطه حسن ظنی که داشتند (باید در اینجا تشکرات خود را از موکلین خود و سایر آقایان بکنم) با وجودیکه در حقیقت تحت فشار بودند و بار اتوفاها اینجا بودند و يك عده اشخاص دیگری را در طهران و ولایات در تحت تعذبات نظامی حق شکنانه خودشان گذاشته بودند باز تا موقعی بدست می آوردند اعتراض میکردند و متینک میدادند بر علیه توقیف نماینده خودشان اقدامات لازم نمینمودند ما هم اینجا نبودیم و هیچ خودمان نمیتوانستیم يك رای هم برای خودمان بنویسیم و بصندوق بیاندازیم بواسطه حسن ظن و شاید بواسطه اینکه نزد خود معاکه کرده بودند و فهمیده بودند که مهاجرت کاری

نبوده که برخلاف اساس بیطرفی باشد باین ملاحظه ما را انتخاب کردند و از هر قسمت از اهالی اقداماتی کردند که بنده شنیده ام اگر کم و زیاد است آقایانی که در طهران بوده اند تصحیح خواهند کرد يك قسمت از قاجاریه که از خانواده بودند بعنوان خانوادگی مشغول شدند با اعتراض و هزاران گفتگو و از همه ایشان تشکر میکنم و يكسره از سایرین مشغول شدند به متینک و سایر اقدامات برای اینکه يك نفر نماینده شان را گرفته بودند ولی باز آنچه البته بجائی نرسد فریاد است زیرا که طرف قوی و ما ضعیف قانون منطق حقوق در مقابل ضعیف و قوی مساوی نیست هر چند گفته ام باز هم میگویم بنده در جریان انتخابات نمیخواهم داخل بشوم اما معذالك کله شاید خیلی تفاوت باشد مابین این انتخاب و يك انتخاباتیکه فعلاً مطرح است بازی آیا ما امروز هم که اینجا هستیم تا کی باید تحمل این ناملاهیات را بکنیم که این ترتیبات و فشارهای قشونی در قسمت جنوبی مملکت ما باقی باشد البته وزراء دولت و زمامداران امور اشخاصیکه این کار وظیفه آنها است مطابق پیشرفت و عملیات خودشان مشغول و هر چه زودتر اقدام خواهند کرد که این مسئله را از مملکت خودشان برطرف کنند و مدلل دارند که پلیس جنوب برخلاف بیطرفی و حقوق ملی ایران است در این ضمن معاهده بسته شده و بنده تا این ساعت (چون بنده بدون ملاحظه صحبت میکنم هر چه میخواهد باشد) مکرر در مکرر شکایت کردم و حق گفته ام از فشارهاییکه روسیه سابق با وارد ساخته ولی کاری باصول امروزه روسیه ندارم و شاید موافقت با او نداشته باشم و مصدحت امروزه این مسئله را ندانم لیکن میگویم اگر آن انقلابات در روسیه نشده بود محققاً دیگر ما هیچ این صحبتها را نمیتوانستیم بکنیم برای اینکه معاهده ۱۹۰۷ را الفاء کردند و منطقه نفوذ را روسها حذف کردند اما وقتیکه منطقه نفوذ الفاء شد دیدیم که قشون همسایه جنوب باین مملکت وارد و بهر جا میل کردند تشریف بردند و کردند آنچه میخواهند بکنند انقلابات روسیه وضع را گردانید و تغییر داد و معاهدات را بهم زد ترتیبات را عوض کرد کار را بجائی رسانید که حالا اینجا آمده و میگویم ما هم یکملتی هستیم حق داریم زندگانی کنیم در ترتیبات امروزه اش بنده هیچ داخل نیستیم و اطلاعات درستی ندارم اما بطور عموم میگویم که نتیجه تشریح حکومت تزاری يك حکومت ملی این باشد که ما ها از تحت فشار روسها خلاص شدیم و باید تشکر کنیم از این فرصت مجوزی که بدستمان آمده شاید بتوانیم خودمان و مملکتان را به طرف ترقی برده بیک جائی برساییم حالا ممکن است که بعضی از آقایان بگویند در این مسئله عقب نشینی هم رخ داد و يك جماعتی هم کشته شد البته همین طور است اما نه آن اندازه که بعضی میگویند البته آنچه میگویند اغراق است عده کشته شده اند اما میخواهم بدانم که کی آنها را کشت آیا آن عده ایرانی نبودند ؟ چایکه

بنده میگویم و حاضر هستم هر وقت هر دولتی بدون اطلاع بر خلاف بیطرفی مملکت من وارد شود و اقدامی بکند بر علیه او قیام میکنم و مدافعه میکنم البته آنها هم اهالی ایران بودند و وظائف ملی خود را میدادند و احساساتی داشتند دفاع کردند البته طرف مقابل از آنها کشت و آنها هم میکشیدند اما در تمام این جریانات و در تمام این تاریخی که عرض میکنم خدمت آقایان مهاجرین بهیچوجه يك ورقه قرارداد یا هر چیزی بهر اسم و رسم با کسی نداشتند آقایانیکه اینجا حاضرند و جزء مهاجرین هستند اگر اطلاع از يك قرار دادی دارند بفرامایند بنده که اطلاع ندارم آقای مدرس چون بیشتر از بنده اطلاع دارند بفرامایند تا این ساعت مهاجرین يك ورقه با اسم قرارداد با اسم حقوق با اسم عموم - تمام مملکت بهیچوجه نداشته و داخل مذاکره نشده اند زیرا که خودشان را دولتی میدانستند و نه حق این داشتند که داخل این ترتیبات بشوند همین قدر میدانستند که از زنده گانی و مملکت خودشان دفاع میکنند در اینصورت بنده باز هم بطور خلاصه مطالب را (چون خیلی زیاد گفتم و آقایان هم مخصوصاً آقای سید یعقوب که خیلی وحشت داشتند که اگر تنفس شود باز هم بنده تجدید مطلع کنم) بطور اختصار میگویم مهاجرین در مدتی که این اقدام را کردند بر علیه حکومت ایران اقدامی نکردند بر علیه متجاوزین بر حکومت ایران اقدام کردند و معقلاً هر کس و هر ملتی هر وقت بر علیه بیطرفی و استقلال و وطن دیگری هجوم بکنند البته وظیفه آنها خواه مهاجر یا انصار این است که از حقوق خودشان دفاع کنند و مهاجرین هم این اقدام را کرده اند شاید بعقیده قطعی بنده اینهم یکی از وظائف حتمی باشد و بر علیه حکومت ملی اقدام نکرده اند بلکه برای ایران جنگیده اند و از طرف دیگر وقتیکه بر گردیم قرارداد باز هم بطور خلاصه عرض میکنم این قرارداد که بسته شده چند اشکال دارد اولاً چندین حقوق از مملکت سلب شده و از آن گذشته با وجودیکه در آنجا ذکر شده بعد از تصویب مجلس شورای ملی باید رسیت پیدا کند قبل از تصویب مجلس بمجلس عمل آمده و از این گذشته در موضوع پرست ها نیز که در خارج مخصوصاً در آمریکا و اروپا شده زمامداران امور بهیچوجه از آنها استفاده نکرده اند و شاید آنها را خاموش کرده اند و شاید استدلال کرده اند این مطالب بطور نیست و حق با ما است که این قرارداد را بسته ایم (حتی نمیدانم آقای ارباب کیخسرو اجازه میفرمایند اسمشان را عرض کنم) آقای ارباب کیخسرو هم که در آمریکا و اروپا پرست کرده اند شاید در وقت ملاقاتیکه آقایان با ایشان کرده اند اعتراض نموده اند که شما چرا این گونه اقدامات برای خیر مملکت خودتان نموده اید و این صهیونرها کرده اید و بالاخره با این ترتیبات هم استفاده از موقع نکرده اید و بطور کلی شاید استفاده هم برای خودشان کرده اند تلگرافاتی که خودشان کرده اند الان موجود است در مجلس قرائت میشود شاید هم در روزنامه درج شده یا نشده حالا صورت آن استفاده ها به ترتیب بودم که استفاده کرده اند بنده نمیدانم اگر میدانستم بدون ملاحظه میگفتم اما چون صورت آن استفاده در دست من

نیست و نمیدانم معتز میخوانم که نمیدانم شرح بدهم که چه اشخاص به چه نسبت از این مسئله استفاده کرده اند شاید هم استفاده نکرده اند نمیدانم ولی اینطور گفته میشود که يك تلگرافاتی در دست هست که طبع شده و سوادش اینجا است و ظاهر میدارد که استفاده در این بین بوده و شاید فقط پس اگر اظهار دارند که از نقطه نظر سیاسی این قرارداد بسته شده آنوقت باید بطور خلاصه عرضه داشت که از نقطه نظر سیاسی استفاده معنی ندارد و یقیناً اگر انقلابات روسیه پیش نیامده بود شاید قسمت های سری معاهده ظاهر میشد و شاید آنروز نمیرسد و میتوانم بگویم امروز روز سادات ما است همین قدر یادآوری میکنم در این مسئله برای مملکت مایک مسئله حیات و معانی است.

رئیس - آقای سردار معظم () اجازه نطق کرده ام ملاحظه فرمائید .

رئیس - آقای سردار معظم پیشنهاد پیشنهاد

رئیس - آقای سردار معظم بنده و آقای طباطبائی ما این پیشنهاد را کرده ایم .

رئیس - قبل از وقت آقای نصرت الدوله هم (چون آقای سلیمان میرزا در نطق خودشان بعضی اظهارات کرده اند) میخوانم يك توضیحی بدهند اگر آقایان موافق باشند بعد از توضیح ایشان چند دقیقه تنفس داده میشود .

سردار معظم - بنده عرض دارم .

رئیس - فرمائید .

سردار معظم - بنده و آقای طباطبائی متفقاً پیشنهاد کرده ایم که چند دقیقه تنفس شود بعد از مذاکرات با ایشان راه حلی در نظر گرفته شده که تصور کردیم در موقع تنفس مذاکره شود والا چون نوبت نطق به بنده رسیده ممکن است که بنده پیامی پشت تریبون و از حق خود استفاده کنم باین جهت بنده تصور میکنم بهتر باشد که قبلاً ده دقیقه تنفس داده شود .

نصرت الدوله - بنده هم قبول میکنم .

رئیس - مجلس موافق است (گفتند بلی)

آقای سید یعقوب - بنده میخواستم عرض کنم که بنده هم اجازه خواستم حق بنده از میان میبرد .

رئیس - بجناب عالی هم اجازه داده میشود . (در این موقع نمایندگان برای تنفس خارج و پس از نیم ساعت مجدداً جلسه تشکیل گردید)

رئیس - شاهزاده نصرت الدوله اجازه خواسته بودند راجع بهطالی که شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن نطق خودشان ادا کرده اند توضیحاتی بدهند

نصرت الدوله - بنده خیلی بطور اختصار این توضیح را عرض خواهم کرد چون حضرت والا خیلی از نطق مختصر خوششان میآید توضیح بنده راجع بآن مسئله است که فرمودند (گویا استفاده هم در کار بوده) بنده نسبت به خودم جداً و قویاً تکذیب میکنم در آن موقع مسئله استفاده در بین نبوده است و اگر يك سوء تفاهاتی در بعضی مذاکرات شده است بایستی آقایان بدانند که بنده در موقعیکه در رکاب اعلیحضرت اقدس همایونی سمت نوکری

ایشان و سمت مأمورتهای سیاسی از طرف دولت بمسافرت اروپا رفته ام بولهای از طرف دولت بمن داده شده و مباشرت خارجی بودم که مسئول تمام آنها هستم و تا دیار آخر حساب آن بولها را خواهم داد و بعد از آنکه حساب من تفریق شد اگر مدیون باشم و چیزی نزد من مانده باشد البته بدولت تقدیم خواهم کرد و اگر فاضل هم داشت و طلبکار شدم البته دولت تفضلاً بمن خواهد داد آقایان بدانند که من مخصوصاً علاقمندم باینکه نسبت استفاده را بخودم قویاً و جداً تکذیب کنم و عرض میکنم بهیچوجه من الرجوع نسبت استفاده را بخودم قبول نمیکم .

رئیس - آقای طباطبائی هم توضیحی داشتند فرمائید .

طباطبائی - بنده عرضی در مرحله مذاکرات جاسه قبل و همچنین در زمینه مذاکرات امروز شاهزاده نصرت الدوله داشت و همه را یادداشت کرده بودم که در نوبت خود عرض آقایان برسانم لیکن بمناسبت پیش آمده که بعد عرض آقایان خواهد رسید عاجلاً بآن شرح و تفصیلی که دارد و تمام مسائل را میبایستی اظهار کرده باشم آنها را عاجلاً مسکوت عنه میگذازم فقط يك نکته از آنها را بطور اختصار ذکر کرده و تفصیلات را برای بعد میگذازم و آن این بود که شاهزاده در ضمن بیانات خودشان راجع به بنده و مناسبات بنده با سید ضیاء اشاره فرمودند لازم است عرض کنم که سابقه بنده را با سید ضیاء همه مردم میدانند و روزنامه های رعد را هم خوانده و دیده اند که همیشه مخالف عقیده بنده بوده و از روز اول که چشم من بسید ضیاء افتاده تا اکنون هیچوقت از او رضایت نداشته ام و هیچوقت هم رابطه با او نداشته ام فقط بعد از مهاجرت گاهی بمنزل من میآمد و یکی دو دفعه هم بنده را دعوت کرد اینهم يك آمد و شد شخصی بود و هیچوقت در هیچ موقع با او يك مذاکرات سیاسی نداشته ام و همه وقت باو میگفتم که من با تو هیچ موافقتی ندارم و همیشه اعمال تو را تنبیح میکنم و مخصوصاً در دوره سیهدار اعظم هیچ ملاقاتی با سید ضیاء نکرده ام باز سابقاً ملاقاتهایی میشد و گاهی بمنزل بنده میآمد ولی در دوره ریاست وزرائی سیهدار این ملاقاتها هم میانه ما نبود فقط يك روزی وارد خانه سیهدار شدم در صورتیکه او ایستاده بود و با ایشان حرف میزد و میخواست از در بیرون برود و هیچ مذاکره هم با او نشد يك شبی هم در منزل سیهدار بود که یکی از آقایان و کلاه با او وارد شدند و الان هم ایشان در مجلس هستند بعضی ورود ایشان بنده آمدم بیرون و این ملاقاتهم در موقع استفاده سیهدار بود که بنده رفتم برای گذاره گیریشان تبریک بگویم و مخصوصاً بنده با ایشان گفته بودم که من باشم مادامیکه استعفا نمیدم مراد نخواهم کرد و با ایشان گفته بودم که دوستی های خود را با ایشان بواسطه داخل شدنشان در کار ترک کرده ام و بعد از استعفاء باقی خواهد ماند آنروز رفتم که ایشان بگویم چون استعفاء داده اید من آمدم ام بشما تبریک بگویم آنروز هم سید ضیاء الدین آنجا آمد و لیکن هیچ داخل مذاکراتی نشد و خیال کرد بنده يك نقطه نظری

دارم که آمده ام سیهدار را به بینم و راجع به آقایان مجبورین گاشان آمده ام حرف بزنم این بود که بطور تغییر بمن رو کرد و گفت که چه مذاکراتی دارید بنده گفتم مذاکراتی ندارم و بعد برخاستم و بیرون آمدم این بود مناسبت من در دوره سیهدار با سید ضیاء که آقای نصرت الدوله در طی نطق خودشان فرمودند گمان میکنم که همه یا اکثر آقایان و کلاه خوب میدانند صدمات و دشمنی هایی که در دوره کابینه خودش یعنی در دوره حکومت کثیف خودش با بنده کرد گمان میکنم بیشتر از آن بود که با سایرین کرد و قابل انکار نیست و تصور میکنم که آقای نصرت الدوله برای اینکه در جواب و امانده باشند این قرار را در ردیف فرمایشاتشان گذاروند در صورتیکه خودشان میدانند بی اساس بوده و اما شرحیکه میخواهم عرض کنم در تریبه مذاکراتیکه میانه بنده و آقای سردار معظم و آقای مدرس و آقای آصف - الممالک و آقای سلیمان میرزا شده قرار شد يك شرحی در این زمینه تهیه و قرائت شود و آن این است که نظر باینکه آقایان تصور فرموده اند تظویل این مذاکرات از طرفین اثرات خوشی نداشته و بالاخره حفظ حیثیات مجلس شاید مناسب نباشد باین بنده پیشنهاد نموده اند تا راه حلی برای این مسئله پیدا شده بنده مخالفت خود را مسکوت عنه میگذازم شاید پس از مذاکرات در خارج راه حلی برای اینکار پیدا شود و بنده چون نمیخواهم بالاخره دنباله مذاکرات بجائی بکشد که اطاع بعثیات مجلس وارد بیاید این است که عجلتاً مخالفت خود را در این خصوص مسکوت عنه میگذازم و خلاصه اش این است عجلتاً بنده مخالفت خود را مسترد میدارم تا اینکه در خارج شاید يك وجه مستحسنی حل بشود اگر حل نشد آنوقت باز در سر عرایض خودم باقی خواهم ماند مجدداً اظهار خواهم داشت .

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه نطق)

سردار معظم - نظر باینکه در قرائت این پیشنهاد طرز قرائت آقای طباطبائی طوری بود که ممکن است سوء تفاهاتی تولید کند لذا بنده خواستم عرض کنم مذاکراتیکه در این دو جلسه اخیر از طریق شدتوری بود که صدمه و لطمه بعثیات مجلس وارد میآورد و از نقطه نظر اینکه تمام نظرها بایستی متوجه حیثیات مجلس باشد مقتضی ندیدم و خود آقای طباطبائی هم با بنده و آقای سلیمان میرزا و آقای آصف الممالک و آقای مدرس تبادل نظر کردند صحت این مطلب را تصدیق فرمودند و بالاخره چون جز پیدا کردن طریق حل موضوع مقصودی ندارند مخالفت خودشان را مسترد داشتند تا اینکه يك طریق حلی پیدا شود اگر پیدا نشود باز حرفهای ماسرجای خود و حرفهای ایشانهم در سر جایش خواهد بود و آنوقت حل قضیه را در جلسه آتی به مجلس محول خواهند کرد .

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه نطق)

نصرت الدوله - نسبت به توضیحی که آقای

سردار معظم دادند بنده حرفی ندارم مگر این که عرض می کنم ازوجه حلی که آقایان رقفا در نظر گرفته اند هیچ مسیوق نیستم و البته پس از آنکه مذاکره کردند اگر نظریاتی داشته باشم عرض خواهم کرد و البته از حق خود دفاع خواهم کرد (گفته شد صحیح است)

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا - همین طور که آقایان صحبت فرمودند آقای طباطبائی يك مخالفتی اظهار کردند و مطابق نظامنامه داخلی وقتی مخالفت خود را پس بگیرند مطلب مسترد شده است و بنابراین دیگر از برای سایرین که بالتبع داخل مذاکره شده اند چیزی باقی نماند اما در مسئله که حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله توضیح دادند بنده هم مجبور شدم که راجع بهمان توضیح يك توضیح ثانوی عرضه بدارم و آن این است که چون دومرتبه فرمودند جداً و قویاً تکذیب میکنم بنده عرض میکنم وقتی اسناد محاسبه را ارائه دادند و ثابت شد بنده آنوقت در جداً و قویاً با ایشان موافقت میکنم و تصدیق می کنم اما حالا نمیتوانم موافقت کنم و همچنین مطلبی را که آقایان مسکوت عنه گذاشته اند بنده هم مسکوت عنه میگذازم ولی مسترد نمیدارم تا راه حلی پیدا شود چون بهیچوجه هیچیک از کلاه مقصودی و منظوری غیر از حفظ حیثیات مجلس ندارند و بدون استثناء خودشان را علاقه مند به مجلس شورای ملی میدانند و البته در این موضوع حاضر هستند که مثل سایر مطالب ملی شخص خودشان را فدای عموم بکنند . بنابراین عداوتیکه شاهزاده نصرت الدوله اطلاع ندارند گمان میکنم هنوز يك وجه حلی در نظر گرفته نشده فقط گفته شده است این کار را می کنند که يك فرصتی پیدا شود شاید بعد از تبادل افکار در خارج يك راه حلی برای این امر پیدا کنند و شاید هیچیک از ماها لاجت و غرض شخصی نسبت بیکدیگر نداشته باشیم .

رئیس - آقای سردار معظم (اجازه نطق)

سردار معظم - بنده نسبت به توضیح ثانوی شاهزاده سلیمان میرزا توضیح ثانوی داشتم و آن این است که راجع به محاسبه که مذاکره اش در بین بود و شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند (جداً و قویاً) حالا از شاهزاده نصرت الدوله نمی پذیرند بنده عرض میکنم ماجداً و قویاً را از شاهزاده نصرت الدوله حالا می پذیرم مگر اینکه در عمل خلاف آن واقع شود (گفته شد صحیح است)

رئیس - بدیهی است این کاریکه دوسه روز است از زمان آقایان نمایندگان و اغلب مردم را بخودش معطوف کرده است اگر بیک ترتیب خوشی بتواند اصلاح کنند يك راه حلی برای آن تهیه نمایند چه از نقطه نظر صلاح مملکت و چه از نقطه نظر مجلس بهتر خواهد بود ولی يك مسئله دیگر هم هست که شاید بعضی از آقایان متوجه نیست و باید نسبت بانهم توجهی

بفرمایند چون بعضی از آقایان و کلاه نزد بنده آمده و تقاضا میکردند که ییشنهای به مجلس بدهند و بنده اینجا قرائت کنم و او این بود که آقای مدرس و آقای سلیمان میرزا در ضمن نطقی که فرمودند پاره نسبتها بیعضی از آقایان و کلاه دادند باین مناسبت میخواستند تقاضا کنند که کمیسیون برای توضیح آن نسبتها معین شود بنده آنقدریکه بنظر می رسید و خیال کرده بودم این بود که سوء تفاهاتی برای آقایان حاصل شده است باین جهت ایشان گفتم بکفایتی منتظر بشوند تا بنده خودم يك تحقیقات مقدماتی بکنم اگر تحقیقات بنده مؤثر نشد آنوقت تقاضای همچو کمیسیون بنمایند امینوارم تا وقتیکه مسئله اول راحل می کنید مسئله ثانوی را هم موفق بعرض شده باشد

مدرس - اجازه میفرمائید

رئیس - غرض من این است که مطلع شوید نسبتها چه بوده ؟

مدرس - غرض عرضم این است که بنده نسبت بدی نداده ام اگر نسبت بدی هم داده شده بنده نداده ام .

رئیس - این يك چیز است که در خارج انتشار میفرمائید اگر توانستید که آقایان را متقاعد بکنید و معلوم شد سوء تفاهم بوده است بها والا آنوقت مجبور میشوم بتوضیح ثانوی مشغول شوم

مدرس - اجازه میفرمائید توضیحی عرض کنم بنده عرض میکنم که اگر میگویم يك هفت هشت یاده نفر در این مجلس هستند و خیلی اشخاص خوبی هستند آیا محتاج بکمیسیون است بنده هرگز نسبت بدی بکسی نمیدهم و خیلی صاف و پاکیزه عرض می کنم بنده یکمندی را شمردم که آنها شریک در یت کاری بودند و آن کار در نظر آنها نیکه کرده اند می شود خوب باشد و در نظر دیگران بد باشد یا مقصود باشد یا قاصر ممالک بنده حاضرم که اگر نسبت خوبی هم يك کسی بدهم يك کمیسیون تشکیل و تحقیق شود

رئیس - آقایانیکه خواستند راه حلی برای مذاکرات این درووزه پیدا کنند تقاضا کرده اند که جلسه اماده برای روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر که اگر مخالفتی نباشد جلسه را میگذاریم برای روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر (اظهاری نشد) پس جلسه آتی روز شنبه خواهد بود (مجلس دوساعت از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملک

صورت مشروح مجلس يوم شنبه غره ذی حجه ۱۳۳۹ مطابق ۱۴ - اسد ۱۳۰۰

مجلس تقریباً یک ساعت و نیم قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید

نایب رئیس - صورت مجلس قرائت می شود -

آقای مستشار السلطنه صورت مجلس را قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای طباطبائی در صورت مجلس فرمایشی دارند ؟

طباطبائی - در آنجا که نوشته است که خارج مذاکره کردیم اسم آقای مدرس فراموش شده است

نایب رئیس - بسیار خوب اصلاح میشود

شاهزاده سلیمان میرزا - همانطوریکه

آقایان مسبوق هستند بنده در جلسه قبل وقتیکه آقای طباطبائی مخالفت خودشان را موقتاً تا روز شنبه پس گرفتند بنده عرض کردم در مخالفت خودم باقی هستم ولیکن علی الاصول مطابق نظام نامه داخلی چون آقای طباطبائی مخالفت خودشان را موقتاً مسترد داشته بنده هم دیگر در این جلسه مذاکره نمیکم

نایب رئیس - صحیح است دیگر آقایان

فرمایشی ندارند (گفته شد خبر) صورت مجلس بعد از این اصلاح تصویب شد قبل از موضوع اعتبار نامه شاهزاده نصرت الدوله بنده پیشنهادی تهیه کرده بودم که بآوردن آقای رئیس بنده آن پیشنهاد را عرض کنم که مذاکرات در این مسئله کافی است متأسفانه آقای رئیس بجهت کسالتیکه پیدا کرده بودند تشریف بردند حال خود آن پیشنهاد را عرض می کنم که چون مذاکرات در این مسئله زیاد شده و از طرف آقایان تخلفاتی مذاکراتی شد و بعضی آقایان هم از طرف دیگر اجازه خواسته بودند که موقوف بجلسه بعد شد بنده تقاضا میکنم که مذاکرات کافی باشد بواسطه اینکه همه علاقمند به مجلس هستند همینطور که آقای طباطبائی و حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا هم در ضمن نطق خودشان فرمودند با این علاقه که آقایان بعضی جبهات مجلس دارند که گمان ندارم تکرار این مذاکرات مفید باشد بلکه مضر است (گفته شد صحیح است) لهذا تقاضا میکنم که مذاکرات در این مسئله کافی باشد و رأی گرفته شود (گفته شد صحیح است)

امیر اعظم - بنده يك مختصرین توضیحی

داشتم

نایب رئیس - نسبت باین پیشنهاد توضیح دارید - امیر اعظم - نه

نایب رئیس - آقای سلیمان میرزا و آقای امیر اعظم اجازه خواسته اند آقای سلیمان میرزا بفرمائید

سلیمان میرزا - پیشنهادی آقا فرمودند مطابق نظام نامه حق با آقا است لیکن بنده باین پیشنهاد مخالف هستم و عرض میکنم مذاکرات کافی نیست ولی اختیار با اکثریت مجلس است البته هر طور که اکثریت مجلس رأی بدهند بنده نمی توانم دیگر عرض بکنم

نایب رئیس - آقای سردار معظم (اجازه نطق)

سردار معظم - بنده متأسفانه با پیشنهاد حضرت عالی مخالف هستم زیرا اصولاً عقیده دارم که در مجلس هر چه مطالب بیشتر گفته شود بهتر است ولی نظر باینکه هر یک از افراد نمایندگان محکوم بآراءه اکثریت هستند لهذا من دیگر اصرار در مخالفت خودم

و عدم کافی بودن مذاکرات نمیکم و چون مخصوصاً يك مسئله را اشاره فرمودند که آن مطلب در نظر تمام نمایندگان محترم است و آن مقدم داشتن حیثیت مجلس و مصالح مملکت است بنده مصالح خصوصی و شخصی (گفته شد صحیح است) من هم متابعت میکنم اراده اکثریت را ولی خودم شخصاً مذاکرات را کافی نمیدانم

نایب رئیس - پس رأی میگیریم آقایانیکه موافق هستند با پیشنهاد بنده باینکه مذاکرات در موضوع اعتبار نامه شاهزاده نصرت الدوله کافی است قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد (رایبورت خوانده میشود)

آقای سید فاضل - چون مقرر شده غائب است و رایبورت را هم مفصلاً خوانده اند دیگر از وی ندارد رایبورت خوانده شود باید رأی گرفته شود

آصف الممالک - در جلسه گذشته موضوع مخالفت در سر دو مسئله بود یکی جریان انتخابات یکی عدم صلاحیت منتخب راجع به جریان انتخابات مذاکرات کافی شد و بالاخره آقای رئیس مذاکرات را کافی دانستند (اگر چه بقیام و قعود ترسید) ولی همه رأی دادند که کافی است

راجع بعدم صلاحیت آقا هم نظر براینکه بعضی از آقایان مذاکرات زیاد را در مجلس صلاح نمی دانستند بدین جهت رأی گرفته شد که مذاکرات کافی است لهذا تجدید خواندن رایبورت ببقیده بنده لزومی ندارد در همان است که خوانده شد

سردار معظم - در نتیجه نطق آقای آصف الممالک که فرمودند خواندن رایبورت لزومی ندارد بنده هم عرض میکنم اعم از اینکه مذاکرات در مجلس هر چه بوده است تکلیف رئیس مجلس آن خواهد بود که قاعده خواندن رایبورت (بعد از اینکه مجلس عدم لزوم مذاکرات را تصویب کرده) لزومی ندارد و بنا بر این باید برای وکالت آقای نصرت الدوله رأی بقیام و قعود بگیرند

امیر اعظم - بنده توضیحی داشتم

نایب رئیس - بفرمائید راجع بچه مسئله است

امیر اعظم - توضیحی که میخواهم بدهم راجع بمذاکرات جلسه گذشته است حالا که می خواهند رأی بگیرند

نایب رئیس - بعد از رأی هم ممکن است رأی میگیریم آقایانیکه موافقت با اعتبار نامه شاهزاده نصرت الدوله یعنی با آن رایبورتیکه مقرر شده داده است

نمایند نمیشود گرفت (گفته شد صحیح است) اساساً ۱۵ نفر باید تقاضا کنند (گفته شد پنج نفر) در هر صورت پنج نفر یا ۱۵ نفر نظام نامه يك طرفی معین کرده است و آن این است که آراء عمومی را به قیام و قعود تعیین کرده و در موارد خاص ممکن است چند نفر از نمایندگان کتباً تقاضا کنند ببقیده بنده از این مرحله هم گذشته و مجلس شورای ملی رأی بختن مذاکرات داده و بالاخره مقصود اگر تعیین اشخاص است که برای وکالت آقای نصرت الدوله برای مینهند یا نمینهند من تصور میکنم که هیچکس در رأی خودش تردیدی ندارد و عیناً رأی خواهند داد و آن کسانی هم که مخالف هستند بالاخره ببقیده من رأی خودشان را اظهار خواهند کرد پس از این نقطه نظر بنده تصور می کنم این تقاضا جز اسباب تعطیل و تاخیر کار و تولید بیوفی و بیوفیهای بی نتیجه و بی رحمت منفعت دیگری ندارد

سلیمان میرزا - همانطور که آقای فیهیم الممالک فرمودند این حق را دارند و بنده الان اگر اجازه بدهم ماده ۸۶ و ۸۷ نظام نامه داخلی را عرض کنم که آقایان بخوانند (بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده ۸۶ رأی علنی با اوراق را هم موقعی میتوان تقاضا نمود مگر در موارد ذیل:

اولاً در صورتیکه در تفسیر و توضیح یکی از موارد این نظام نامه اختلافی حاصل شده و منجر ببداند رأی شود

ثانیاً - در مواردیکه در مواد ۱۱۱ و ۱۲۷ و ۱۳۲ ذکر شده است رأی علنی با اوراق را ممکن است قبل از اینکه از روی قاعده قیام و قعود رأی گرفته شود تقاضا نمود و هم چنین در صورتیکه بعد از يك مرتبه مطابق قیام و قعود رأی گرفته شده و نتیجه مشکوک باشد

ماده ۸۷ تقاضای رأی علنی با اوراق باید کتباً بعمل آید و لا اقل پنج نفر از اعضای مجلس آنرا امضاء نموده بر رئیس بدهند ولی در صورتیکه یکدفعه بواسطه قیام و قعود رأی گرفته شده و مشکوک شد

تقاضای شفاهی یکی از نمایندگان کافی است اسامی این پنج نفر فوق بالاسامی رأی دهندگان مخالف و موافق در صورت مجلس نوشته خواهد شد حالا آقای فیهیم الممالک فقط چیزیکه ناقص دارند باید بدهند ایشان بدهند که بنویسند اگر چهار نفر با ایشان موافق شدند که آنرا امضاء کنند آن وقت حق دارند و اگر هم لازم باشد بنده هم امضاء خواهم کرد

نایب رئیس - مطابق این ماده که شما خواندید يك نقص دیگر هم دارد و آن این است در صورتیکه باقیام و قعود رأی گرفته شده و نتیجه مشکوک باشد

سلیمان میرزا - این در مورد دیگر است اگر اجازه بفرمائید ماده ۸۷ را يك دفعه دیگر بخوانم آن وقت واضح میشود (مجدداً قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای فیهیم الممالک اجازه نطق

فیهیم الممالک - بنده مقصود از این پیشنهادی که کردم رأی باورقه گرفته شود مقصود این نبود که بدانم کی موافق است و کی مخالف و قیام که مذاکره شد در کافی بودن مذاکرات بنده موافق نبودم و حالا هم تصمیمی نگرفتم که موافق باشم یا مخالف بنابر این میتوانم امتناع کنم ولی نمایانم امتناع خود را باید بچه صورت بفرمائیم باید از مجلس خارج شوم یا اگر در مجلس باشم باید با اوراق رأی گرفته شود که معلوم باشد والا مقصود بنده در رأی گرفتن باورقه موافقت یا مخالفت نبوده است

نایب رئیس - پیشنهاد کنید (پیشنهاد ایشان بمضمون ذیل قرائت شد)

ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا میکنیم باورقه رأی گرفته شود

سردار معظم - چند نفرند

نایب رئیس - پنج امضاء است

سردار معظم - باید خوانده شود

محمد هاشم میرزا - باید خوانده شود (آقای مستشار السلطنه اسامی امضاء کنندگان را به ترتیب ذیل قرائت نمودند)

آقای امیر اعظم - آقای سلیمان میرزا - آقای طباطبائی

سردار معظم - حالا باید رأی باورقه گرفته شود

نایب رئیس - خوب عده بجهت رأی گرفتن کافی است

سردار معظم - اجازه میدهم

نایب رئیس - بفرمائید

سردار معظم - نظر باینکه بعضی از آقایان نمایندگان به سابقه رأی دادن باورقه را در مجلس ندارند و شاید خاطر مبارکشان مستحضر باشد لهذا خاطر محترمانه را متذکر میشوم که ورقه سفید علامت قبول و ورقه کبود علامت رد است و ورقه ندان علامت امتناع است و آقایان هم در روی اوراق اسم خودشان را باید مرقوم بفرمائید

نایب رئیس - بلی باید بنویسند

آقای سید فاضل - اجازه بفرمائید

نایب رئیس - بلی بفرمائید

آقا سید فاضل - اگر اجازه بفرمائید ماده ۸۸ که راجع ببدان رأی باورقه است بخوانم

بمضمون ذیل قرائت نمودند

ماده ۸۸ - ترتیب گرفتن رأی علنی با اوراق از این قرار است هر نماینده دارای دو ورقه مختلف اللون است که اسم آن نماینده در روی آن چاپ شده است ورقه سفید علامت قبول و ورقه آبی علامت رد است

آقای سید فاضل - کسی که رأی ندارد ورقه نخواهد داد

رفعت الدوله - اجازه میخواهم بفرمائید ورقه بیاورند و با شخصی که ندارند تقسیم نمایند

نایب رئیس - بهمه داده اند

رفعت الدوله - خیر بنده ندارم

نایب رئیس - روی کاغذ سفید بنویسید - آقای سید محمود مکروه بهمه نداده اند

آقای سید محمود - چرا آقا منراشان مانده است

نایب رئیس - اسامی خودتان را هم روی کاغذ بنویسید

(اوراق رأی اخذ و در محل نطق گذاشته شد)

سردار معظم - گویا بافرقه دو نفر باید برای نظارت تعیین شوند

در این وقت آقای آصف الممالک و آقای نصیر دیوان بحکم قرعه تعیین و با اتفاق آقای مستشار السلطنه شروع باستخراج آراء نمودند

آصف الممالک - ۴۷ رأی سفید است و ۶ ورقه آبی

حاج آقا - باید حضار را تعیین کرد تا عده امتناع کنند گان ممنوع شود

نایب رئیس - عده حضار چند نفر است گفته شد ۹ نفر

سردار معظم - نتیجه رأی را اعلام کنید

نایب رئیس - وکالت آقای نصرت الدوله به ۴۷ رأی تصویب شد

(اسامی قبول کنندگان که ورقه سفید داده اند)

آقا میرزا هاشم آشتیانی - آصف الممالک - امیر ناصر - سید دیوان - سردار معظم - آقا سید محمد تهرانی - عمید الممالک - آقا میرزا ابراهیم قمی

فتح الدوله - محمد هاشم میرزا - امین الشریعه - محقق العلماء - آقا میرزا محمد حسین صدرائی - جلیل الملك - حاج میرزا مرتضی - آقا سید یعقوب

رکن الملك - شیخ العرافین زاده - عدل السلطنه - عمید السلطنه - منصور الملك - آقا شیخ محمد جواد

آقا سید حسن مدرس - امیر اعظم سردار - مؤتمن - السلطنه - مستشار السلطنه - آقا شیخ اسد الله مجلاتی

منصب الدوله - میرزا ابراهیم خان - ملک الشعراء - نجات - سردار معظم خراسانی - آقا سید فاضل

کاشانی - بیان الملك - حاج آقا شیرازی - سهام السلطان - صدر الاسلام - شریعتمدار - نصیرخان

رفعت الدوله - بیان الدوله - وقار الملك - سید

الملك - شیخ الاسلام ملایری - سلطان العلماء - سردار معظم کردستانی - آقا میرزا سید حسن کاشانی

اسامی رد کنندگان که ورقه آبی داده اند

طباطبائی - سلیمان میرزا

اسامی امتناع کنندگان

فیهیم الملك - رئیس التجار - احتشام الدوله

دکتر لقمان - نصرت الدوله

نایب رئیس - آقای امیر اعظم میخواهید توضیحی بدهید بفرمائید

امیر اعظم - توضیحی که میخواهم بدهم راجع بیک عبارت از نطق شاهزاده نصرت الدوله است شاهزاده نصرت الدوله در ضمن نطق دفاعیه خود پس از شمرن اسامی اشخاصیکه مینویسند راجع بقرار داد مرحوم یاغیر مرحوم جمله را بکنده و دیگران ختم فرمودند چون بنده در اواخر کابینه آقای وثوق الدوله عضویت آنرا قبول کرده بودم بعضی اشخاصی رو

تهدید از من داشتم بعضی آقایان بر سر من کمن مینویسند و تهدید میکردند ام ولی این نکته را لازم است

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بر سر من کمن مینویسند و تهدید میکردند ام ولی این نکته را لازم است

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

بعضی بفرمائید

باینظور رأی داده که اولاً چون مستند انجمن نظارت در این اقدام فقط بدلول قسمت اول ماده ۴۷ قانون انتخابات است که میگوید (انتخاباتی که مبنی بر تهدید یا تطمیع بوده باشد از درجه اعتبار ساقط است) و دیگر طبقه الفاء آنرا تعیین ننموده و ثانیاً بدلول ماده ۴۴ که شکایت از انتخاب مانع از انجام انتخاب نمیتواند باشد ولی باید شرح شکایت در صورت مجلس درج بشود و ثانیاً بموجب ماده ۳۴ که میگوید اوراق معمول را عیناً میبایست ضمیمه صورت مجلس نمایند و اقدام انجمن در الغاء و شستن آراء کن برخلاف احتیاط بوده و برای احتراز از اینکه این اقدام سابقه برای انتخابات آتی نگردد و انجمنهای نظارت چنین حقی برای خود قائل نشوند باید متذکر شد ولی از آنجائیکه این اقدام سکنه با اساس صحت انتخابات مزبوره وارد نیامورد و در جریان انتخابات هیچگونه اعتراض و شکایتی نیز ملاحظه نشد لذا شعبه نمایندگی آقای مؤمن الملک را از طهران و توابع که با اکثریت ۳۴۸۱ رأی از ۱۱۸۰۳ رأی انتخاب کنندگان است تصدیق و بصحت اعتبارنامه ایشان با اتفاق آراء رأی میدهد.

نایب رئیس - بشانندگی آقای مؤمن الملک مخالفی نیست (گفته شد غیر) آقایانیکه نمایندگی آقای مؤمن الملک را از طهران تصدیق میکنند (با اتفاق قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب شد. آقای آصف الملک (احضار برای قرائت راپورت) ایضاً آقای آصف الملک راپورت شعبه چهارم را بمضمون ذیل قرائت نمودند:

شعبه چهارم در تاریخ ۴ ذی قعدة ۱۳۳۹ بشرحیکه در راپورت شماره ۷ خود راجع بملاحظه صورت مجلس انتخابات طهران و حوزدهای انتخابیه آن بمجلس شورای ملی تقدیم داشته. باعتبارنامه آقای مستوفی الملک رسیدگی و نظر بصحت انتخابات مزبوره نمایندگی معظمه را از طهران و توابع با اکثریت ۷۷۳۷ رأی از ۱۱۸۰۳ رأی انتخاب کنندگان است تصدیق و بصحت اعتبارنامه ایشان با اتفاق آراء رأی میدهد.

نایب رئیس - مخالفی نیست (گفته شد غیر) رأی میگیریم بشانندگی آقای مستوفی الملک از طهران آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (با اتفاق قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب شد. آقای آصف الملک (تکلیف خواندن راپورت) آقای آصف الملک راپورت شعبه چهارم را راجع بشانندگی آقای مشیرالدوله بمضمون ذیل قرائت نمودند:

شعبه چهارم در تاریخ ۳ ذی قعدة ۱۳۳۹ بشرحیکه در راپورت شماره ۷ خود راجع بملاحظه صورت مجلس انتخابات طهران و توابع آن بمجلس شورای ملی تقدیم داشته. باعتبارنامه آقای مشیرالدوله رسیدگی و نظر بصحت انتخابات مزبوره نمایندگی معظمه را از طهران و توابع که با اکثریت ۴۷۵۲ رأی از ۱۱۸۰۳ رأی انتخاب کنندگان است تصدیق و بصحت اعتبارنامه ایشان با اتفاق آراء رأی میدهد.

نایب رئیس - مخالفی نیست (گفته شد غیر) رأی میگیریم بشانندگی آقای مشیرالدوله از طهران آقایانیکه موافقت قیام نمایند (با اتفاق قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. آقای آصف الملک (احضار و راپورت ایشان داده شد)

آصف الملک - این راپورت متعلق بشعبه ه است (راپورت مزبور مسترد و راپورت دیگر ایشان داده شد بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه چهارم در تاریخ ۳ ذی قعدة ۱۳۳۹ بشرحیکه در راپورت شماره ۷ خود راجع بملاحظه صورت مجلس انتخابات طهران و توابع آن بمجلس شورای ملی تقدیم داشته. باعتبارنامه آقای حکیم الملک رسیدگی و نظر بصحت انتخابات مزبوره نمایندگی معظمه را از طهران و توابع که با اکثریت ۳۲۷۰ رأی از ۱۱۸۰۳ رأی انتخاب کنندگان است تصدیق و بصحت اعتبارنامه ایشان با اتفاق آراء رأی میدهد.

نایب رئیس - مخالفی نیست (اطهاری شد) آقایانیکه بشانندگی آقای حکیم الملک از طهران موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب شد.

آقای آصف الملک (احضار برای قرائت راپورت) آقای آصف الملک را برای قرائت راپورت در محل نطق حاضر شدند و در این موقع یعنی از نمایندگی از مجلس خارج شدند.

نایب رئیس - آقایان بروید عده کافی نیست.

نصرت الدوله - خوب است راپورت را بخوانند تا آنها حاضر شوند.

نایب رئیس - عده کافی شد. مستشار السلطنة - خیر.

نایب رئیس - چون عده برای رأی گرفتن کافی نیست لهذا مجلس را ختم میکنیم و جلسه بعد را اگر آقایان صلاح میدانند بفرما میگذاریم.

سردار معظم - بنده عقیده دارم که حالا چند دقیقه تنفس داده شود (گفتند صحیح است) تا آقایان نمایندگان حاضر شوند و کار اعتبارنامههای نمایندگان طهران تمام شود بلکه کلیه راپورتهای ملاحظه شود.

نایب رئیس - آقایان با پیشنهاد آقای سردار معظم موافق هستند (گفتند بلی)

سردار معظم - بیست دقیقه تنفس داده شود اگر بعد از این مدت عده کافی شد برمیگردیم و شروع بکار میکنیم و الا موکول میشود بمصر دو ساعت بفرود.

نایب رئیس - پس بیست دقیقه تنفس است (در این موقع نمایندگان برای تنفس از مجلس خارج و پس از بیست دقیقه مجلس تشکیل گردید)

نایب رئیس - آقای نصرت الدوله توضیحاتی دارید بفرمایند.

نصرت الدوله - بنده در نهانی که در جلسه اخیر کردم یعنی توضیحی که در مقابل نطق شاهزاده سلیمان میرزا دادم اشاره کردم بمحاسباتی که یادداشت دارم و اظهار کردم که ابواب جمعی هاداشتهام که در مقابل آنها اسنادی موجود و مشغول خرج آن هستم ولی چون در بین مذاکره که میکردم خواستم سمت مأمورتهای مختلفی که در این سفر داشتم بیان نمایم اظهار کردم که سمت نوکری علیحضرت و خدمات دیگر سیاسی مأمور بودم برای اینکه سوء تفاهم نشود و تصور نکنند که تمام وجوه ابواب جمعی من از برای خرج مسافرت علیحضرت بوده است لازم است که اینجا توضیحی را عرض کنم درموقعیکه علیحضرت شهرباری خیال مسافرت اروپا داشتند هیئت دولت صد

و بیست هزار تومان کمک خرج برای مسافرت ایشان تصویب کردند که از خزانه داده شود این مبلغ برای مخارج علیحضرت تخصیص یافته بود و بجمع بنده گذاردند مخارج دیگری که بنده در آن مسافرت برای دولت کردهام راجع بوزارت امور خارجه و تصریح محاسبات مسافرتها و ریاست هیئت اعزامیه در کنفرانس صلح و مخارج دوائی است و حساب آنرا مشغول تصفیه هستم.

نایب رئیس - آقای آصف الملک (اجازه نطق) **آصف الملک** - بنده میخواهم يك توضیحی عرض کنم راجع به آقای مشار الملک چون در ضمن نطق حضرت والا چندروز پیش مذاکره شد مبنی بر که راجع بقرارداد امضاء شده است ایشانهم امضاء نموده اند البته در کابینه بوده اند و نظر بمشولیت مشترکی که داشته اند امضاء کرده اند ولی در قسمت اجرائیات قرارداد بنده يك اطلاع خصوصی دارم (و شاید آقایان هم اطلاع داشته باشند) و میدانیم که ایشان راجع بموضوع بودجه نظامی کاملاً مخالف بودند و ایشان شخصی بودند که اجرائیات قرار داد را کاملاً موافق بودند که باید موکول بانتخاب مجلس شود مخصوصاً ایشان خیلی مخالف کرده بودند و همان مسئله سبب شده بود که کمیونی که برای آن کار ترتیب داده بودند بهم خورد.

نایب رئیس - آقای سیدمقبوب بفرمایند.

آقای سیدمقبوب - بنده مطالبی را که آقای آصف الملک بیان کردند چون تمام در طهران بودم میدانم که هم آقای مشار الملک و هم آقای امیر اعلم و آقای معتمد الدوله در مسئله عدم اجرای مواد قرارداد تا موقع افتتاح مجلس مخصوصاً آقای امیر اعلم مخالف بودند و به جدیت جلو گیری کردند در واقع کمیسیون اجرای قرارداد را بهم زدند.

نایب رئیس - آقای امیر اعلم بفرمایند.

امیر اعلم - خواستم عرض کنم که این کار با اتفاق شد و همه رأی دادند.

نایب رئیس - چون عده کافی نیست که داخل مذاکرات اعتبارنامهها بشویم لذا جلسه برای دوساعت بفرود میماند.

سردار معظم - فقط چیزیکه هست باید به نمایندگان غائبهم اطلاع داده شود که حاضر شوند.

محمد هاشم میرزا - اعتبار بلیط های امروز محفوظ خواهد ماند.

سردار معظم - البته محفوظ خواهد بود (يك ساعت بعد از ظهر مجلس ختم شد)

جلسه ۹

صورت مشروح مجلس ایله یکشنبه دوم ذی حجة الحرام سنه ۱۳۳۹ مطابق ۱۴ اسد ۱۳۰۰

مجلس یکساعت از شب گذشته در تحت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس صبح شنبه را آقای مستشار السلطنة قرائت نمودند)

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق)

حاج شیخ اسدالله عرضی ندارم

رئیس - اعتراضی در صورت مجلس نیست ؟

امیر اعلم - دو توضیح بنده داده بودم هیچکدام در صورت مجلس نیست

رئیس - اضافه میشود ملاحظه بفرمایند دیگر اعتراضی نیست ؟ آقای محقق العلماء

محقق العلماء - بنده هم همین عرض را میخواستم بکنم که آقای امیر اعلم گفتند آقای متضد الدوله هم با اتفاق تصویب شدند

رئیس - بسیار خوب آنهم تصحیح میشود بعد از این دو فقره دیگر دیگر اعتراضی نیست ؟ (گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس با این اصلاحات تصویب شد.

چند فقره راپورت راجع باعتبارنامه بعضی از نمایندگان هست که امشب بایستی قرائت نموده و رأی بگیریم

(خطاب بآقای سردار معظم) راپورت راجع بآقای صمصام السلطنة را چرا مسترد نفرمودید ؟ تقدیم میشود

رئیس - پس تشریف بیاورید راپورت راجع بآقای تدین را قرائت فرمایند.

(آقای سردار معظم راپورت شعبه پنجم را بخمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه پنجم بدوسه انتخابات سه نفر از نمایندگان طهران که شعبه رجوع شده بود رسیدگی و نظریات خود را ذیلاً بعرض مجلس شورای ملی میرساند تشکیل انجمن نظارت و جریان انتخابات طهران موافق با قانون بوده و اشکالی ندارد فقط اشکالی که بنظر شعبه رسید راجع بآراء کن و سونقان است تفصیل آتاهم بشرح ذیل است.

در ۲۲ ذی قعدة راپورتی بانجمن نظارت مرکزی رسیده است که نایب الحکومه کن اهلالی کن و توابع را تهدید و مجبور کرده است درباره اشخاصی که او در نظر دارد رأی بدهند.

حاج شیخ اسدالله - راپورت از کجا رسیده.

سردار معظم - از کن.

حاج شیخ اسدالله - کی بوده است ؟

سردار معظم - چه عرض کنم پس از وصول این راپورت از طرف انجمن دوفتر از اعضاء انجمن در محبت رئیس کابینه حکومت برای تحقیقات محلی فرستاده شده اند و پس از مراجعت تصدیق تهدید نایب الحکومه را در انتخابات کرده انجمن مرکزی الغاء آراء ماخوذه دوزوزه را کرده و نایب الحکومه نیز متفصل شد و برای اجرای امر الغاء آراء دوفتر از اعضاء انجمن جزء بکن فرستاده شده اند مشارالیهها در محل اطمنان لازمه را در آزاد بودن انتخابات داده و آراء ماخوذه را از صندوق خارج و بدون قرائت در آب شسته اند نایب الحکومه کن نیز متفصل شده است مستنطقی هم در محبت دوفتر مأمور ابطال آراء کن بجل فرستاده شده که تحقیقات محلی در وقوع آن امر بنایند ولی در صورت مجلس دیگر

ذکری از نتیجه تحقیقات مستنطق نمی نمایند.

اینکه شعبه امان نظر کامل در مدارک تصدیق و حکم انجمن نظارت بکنند لازم دانست که راپورت مأمورین و مدارک تصدیق سوء جریان انتخابات کن را دیده و پس از راپورت تحقیقات مستنطق نیز اطلاع حاصل نمایند زیرا که مفهوم صورت مجلس این است که پس از راپورت مأمور تحقیق و صدور حکم بطلان آراء کن و سونقان باز خود انجمن مطالبه احتاج بتحقیق دانسته است و مستنطق برای تحقیقات در وقوع این امر اعزام شده است ولی چون تأخیر دادن راپورت بمجلس مقتضی نبود باز ذکر این مسئله که در هر صورت انجمن نظارت حق باطل کردن آراء نداشته و بر فرض صحت سوء جریان انتخابات کن باید خود آراء راپورت های مأمورین تحقیق ضمیمه صورت مجلس میشد و شعبه اقدام انجمن نظارت را برخلاف قانون دانسته متذکر آن میشود که نظائر آن در آتی تکرار نشده سابقه شمرده نشود ولی البته این عدم مراعات قانون مبطل اساس انتخابات شمرده نمیشود و بالتبعه شعبه پنجم صحت انتخابات طهران و نمایندگی آقای تدین را که با اکثریت ۳۰۵۲ رأی انتخاب شده اند تصدیق مینماید.

حاج شیخ اسدالله - بنده يك توضیحی میخواهم. در این راپورت نوشته شده است که راپورتی بانجمن نظارت مرکزی از سوء جریان انتخابات کن رسیده و انجمن نظارت و دوفتر بنده فرستاده آن دوفتر نمایند تصدیق کرده اند که انتخابات کن جریان قانونی نداشته ولی بالینکه در خود راپورت هم تصدیق کرده اند که انجمن خود را بتحقیقات کاملاً محتاج دانست و مستنطق فرستاد برای کشف فضیحه مدعیان هنوز که جریات تحقیقات معلوم نشده انجمن نظارت دستور داده که آراء کن را باطل کنند خود شعبه در راپورت اشارة داشته که این حق را انجمن نظارت نداشته که آراء ماخوذه را باطل کند و مطابق قانون در صورتی که سوء جریانی در انتخابات مشاهده بکنند و آراء را باطل بدانند باید ضمیمه صورت مجلس بشانند در خود مجلس رسیدگی بعمل آید. شعبه این را تصدیق نموده که عملیات انجمن نظارت از روی صحت نبوده چنانچه آقای مخبر فرموده اند برای این که بعد از این در موقع انتخابات یکچنین اقدامی نشود و انجمن نظارت خودش يك آرائی را باطل نکند و در صورتیکه آراء را باطل بدانند باید ضمیمه صورت مجلس بکنند این عرض را میکنم برای اینکه این اقدام انجمن برخلاف رویه بوده باین تفصیلی که آقای مخبر فرموده اند که این اقدام انجمن نظارت برخلاف رویه قانون انتخابات بوده باز میفرمایند شعبه تصدیق صحت انتخابات طهران را کرده خواستم آقای مخبر توضیح بدهند که نظر شعبه چه بوده که صحت انتخابات طهران را تصدیق کرده نالین که در راپورت مینویسد (که اقدام انجمن برخلاف قانون بوده)

سردار معظم اولاً باید يك مختصر توجیهی بشود که مستقیماً از طرف انجمن نظارت مستنطق

فرستاده نشده تفصیل این بوده انجمن نظارت مرکزی که مسئول صحت انتخابات است راپورتی باور رسیده که در کن اعمال نفوذهایی از طرف نایب الحکومه می شود انجمن نظارت مرکزی سه نفر را برای تحقیق بجل فرستاده یعنی يك نفر نماینده که رئیس کابینه حکومتی بوده از طرف حکومت و دوفتر از اعضاء انجمن بجل رفته تحقیق کرده و برگشته آمده اند و اطلاع داده و صحت آن راپورت اول یعنی موجود بودن اعمال نفوذ را در انتخابات کن تصدیق نموده اند انجمن نظارت پس از رسیدن راپورت معمولی خودش دوفتر دیگر از اعضاء انجمن نظارت جزء یعنی انجمن نظارت چالبدان را مأمور کرده که حکم انجمن نظارت مرکزی که مبنی بر ابطال آراء کن بوده مجری دارند و ضمناً هم مراجعه بدوسه کرده اند و انفصال نایب الحکومه کن را خواسته اند پس از انفصال نایب الحکومه او آمده است اینجا و خواسته است برائت ذمه حاصل بکنند لهذا اظهاراتی کرده است که اینها دروغ بوده است من هیچ دخالت در انتخابات نداشته ام و برای اینکه رعایت مراتب اخلاقی شده باشد ثانیاً به مستنطق از طرف وزارت عدلیه امر شده است برود در محل و تفتیش بکنند که واقصاً اشخاص که وسائل نفوذ نایب الحکومه بوده اند کجا بوده اند این نقطه نظر وقتیکه وارد حل قضیه شویم باید مطلب را بفهمیم که انجمن نظارت خلاف فاعده رفتار نکرده فقط چیزیکه هست انجمن نظارت مرکزی حق نداشته که آراء را بشوید شعبه هیچ تردیدی در این موضوع ندارد و خود شعبه هم این نکته را متذکر شده که مطابق قانون باید کلیه آراء تردیه به ضمیمه صورت مجلس بشود ولی اینکار نشده لیکن شعبه این مسئله را ذمه دخل در اساس انتخابات طهران نمی دانست و به این جهت در راپورت خودش ذکر کرده است که انجمنهای نظارت دیگر در آتی این عمل را تکرار نکنند و اگر در موافقی لازم میدانند آرائی باطل بکنند آن آراء را سوزانند (مثل اینکه در مازندران سوزانده اند) و نشویند مثل اینکه در کن شسته اند بلکه باید ضمیمه صورت مجلس بکنند تا محکمه آخری انتخابات که مجلس شورای ملی است با مراجعه به تمام اسناد موجود بتواند عقیده خودش را در انتخاب يك محلی ذکر بکنند چنانکه در راپورت ملاحظه می فرمایند شعبه باین نظریه هم موافق بوده و به همین جهت ذکر کرده. حالا میدانم از آراء کن در انتخابات طهران تصدیق می فرمایند که انجمن نظارت انتخابات مطابق قانون مسئول صحت در يك منطقه و در يك حوزه کوچکی در انتخابات اعمال نفوذ میشود مردم در رأی خودشان آزاد نیستند و آن نفوذ هم از طرف یک نفر مأمور رسمی دولت میشود مکلف است در مرحله اول بتحقیق و پس از آنکه بوسیله

مأمورین خود تحقیقات خودش را کامل کرد آنوقت نمیتواند آن آراء را معتبر بشمارد تکلیف اینست که آنرا کسان ام یکن فرض کند باز تکرار میکنم که بایستی آن آراء را حفظ و بصورت مجلس منبیه کند و بر مردم خاطر نشان بکنند که شما در رأی دادن خودتان آزاد هستید و اجباری در کار نیست و بالاخره این عمل را هم انجمن مرکزی و هم شعبه جزء کرده اند و بعلاوه امروزه همان نظری که شعبه چهارم اعمال کرده است مامم شریک بوده ایم یعنی لازم دانسته ایم تخطی از ظاهر مواد قانون و حتی سکتا نرساندن این تخطی از ظاهر قانون بصحت جریان انتخابات را در راپورت ذکر کردیم و مجلس شورای ملی هم که امروز در مورد چهار نفر از نمایندگان طهران باتفاق رأی داد معلوم میدارد که این مطلب را تصویب کرده است پس بنابراین قبلا در این موضوعی که آقای اظهار داشتند از طرف شعبه اشاعه بیان شده است و نظر مجلس هم معین شده

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض میدارم در اینکه مجلس یکمعه از نمایندگان طهران را در جلسه امروز صبح تصویب فرمودند ولی...

رئیس - پس شما مخالف هستید

حاج شیخ اسدالله - نه خیر مخالف نیستم و توضیح می خواهم

رئیس - با هم توضیح مخالفت میفرمائید

حاج شیخ اسدالله - نه خیر مخالفت نمیکنم سؤال میکنم که توضیح بدهند مطلب روشن شود اگر اجازه میفرمائید عرض کنم؟

رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - خواستم سؤال بکنم که انجمن نظار جزء با این راپورتی که به انجمن مرکزی داده اند موافق بوده است و یا نظریات انجمن جزء که در کن تشکیل شده مخالف بوده است این را توضیح بدهند که مشمول انتخابات حوزه های جزء انجمن نظارت جزء است یا انجمن نظارت مرکزی؟

سردار معظم - این مطلب اساساً نظری است و هنوز حل نشده مطابق انتخابات مسئول صحت انتخابات حوزه انتخابیه مرکزی است منتهی اینست که انجمن های جزء تشکیل میشود برای تسهیل و تعمیم شرکت اهالی در انتخابات یعنی اشخاصی که بواسطه بعد مسافت نمیتوانند بیایند در مرکز انتخابیه شرکت کنند انجمن های جزء تشکیل می شود که همانجا اهالی رأی بدهند ولی تشکیل انجمن های جزء هیچ نوع سلب مسئولیت از انجمن نظارت مرکزی نمیکند و بالاخره در مرحله آخر مسئول صحت جریان انتخابات همان انجمن مرکزی است حالا فرض کنیم باین مطلب قائل نباشیم و خود هم بگویم این مطلب قابل تغییر است زیرا می توان گفت که چون برای انجمن نظارت جزء يك وظائف خاصی معین نشده لهذا انجمن جزء هم دارای تمام وظائف انجمن نظارت مرکزی است ولی در این مورد خاص ما میبینیم که نظر آقای حاج شیخ اسدالله هم تأمین

شده است زیرا نظریه انجمن جزء اگر در صورت مجلس اثباتاً نیست نفیاً هم نیست باین معنی که وقتی از انجمن نظارت مرکزی مأمور فرستاده شد آنها بشعبه کن رفته و نظارت خود را در آراء کن نموده اند و بعد حکم بابطال آراء کن شده انجمن نظارت جزء اعتراضی در مقابل اقدام انجمن مرکزی نکرده و تصدیق کرده پس بنابراین خود انجمن جزء هم مصدق اعمال انجمن مرکزی است و احتمال قوی هم میرود که راپورت دهنده چون معلوم نیست کیست شاید از اعضاء انجمن نظارت جزء باشد و چون خود صلاحیت دادن حکم قطعی را در خودش نمیدیده است لذا رجوع کرده است به مرکز اصلی که انجمن نظارت مرکزی طهران باشد پس از این نقطه نظر هم تصور می کنم نظر آقای حاج شیخ اسدالله تأمین شده باشد

رئیس - غرض توضیح دیگر اعتراضی نیست (گفته شد خیر)

پس رأی می گیریم بنمایندگی آقای تدین

آقایانیکه تصویب می فرمائید قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

آقای آصف الممالک - راپورتی راجع بنمایندگی آقای سلیمان میرزا

(آقای آصف الممالک راپورت شعبه چهارم را راجع بانقلاب آقای سلیمان میرزا بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه چهارم در تاریخ ۳ ذیحجه ۱۳۳۹ بشرحی که در راپورت نمره ۷ خود راجع بملاحظه صورت مجلس انتخابات طهران و توابع آن بمجلس شورای ملی تقدیم داشته باعتبار نامه شاهزاده سلیمان میرزا رسیدگی و نظر بصحت انتخابات مزبور نمایندگی معزی الیه را از طهران و توابع که با اکثریت ۶۴۸۳ رأی از ۱۱۸۰۳ رأی انتخاب کنندگان است تصدیق و بصحت اعتبار نامه ایشان باتفاق آراء رأی میدهند

رئیس مخالفی هست یا نیست؟ (اظهاری نشد)

رأی میگیریم بنمایندگی آقای سلیمان میرزا

آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

آقای آقا شیخ محمد جواد (احضار برای قرائت راپورت) (آقای آقا شیخ محمد جواد راپورت شعبه اول را راجع بنمایندگی آقای عدل السلطنه بمضمون ذیل قرائت کردند)

شعبه اول در تاریخ بیست و هشتم شوال بدوسیه انتخابات بهم رسیدگی نموده راپورت آنرا ذیل عرض میسراند انجمن نظارت مرکزی بم درغره شهر رجب تشکیل شده دو شعبه نظارت جهت ترمایش و راین معین کرده دوشهر بم پس از نشر اعلان ۷۸۱ نفره توزیع ۶۷۷ رأی اخذ کرده اند در دو شعبه راین و نرماشیر ۱۶۴۵ ورقه تعرفه داده ۱۶۳۶ ورقه رأی

گرفته اند کلیتاً دریم و راین و نرماشیر ۲۰۱۶ ورقه تعرفه داده شده ۲۴۱۳ ورقه رأی گرفته شده است

آقای عدل السلطنه با اکثریت ۱۳۹۱ رأی بسمت بنمایندگی انتخاب شده اند انجمن نظارت مرکزی پس از خامه انتخابات بیک هفته برای اخذ شکایات دائر بوده چون شکایاتی بانجمن نرسیده انجمن منحل گردیده تلگرافی بامضاء چند نفر از رعایای راین و شیرینمدار راینی بوزارت داخله رسیده که شکایت از آزاد نبودن انتخابات راین می نمایند در مقابل تلگرافی بوزارت داخله مضایره شده است بامضاء جمعی که اغلب امضاء کنندگان اشخاصی هستند که تلگراف شکایت باسم آنها امضاء شده است مبنی بر آزاد بودن انتخابات راین و اینکه تلگراف شکایت باسم آنها جعل شده و اظهار بی اطلاعی از امضاء تلگراف شکایت کرده اند تلگرافی هم از ایالت نکرمان در دوسیه موجود است که در مقابل توضیحات وزارت داخله شکایت متشکیان را تکذیب کرده و آزادی انتخابات راین را تصدیق مینماید و نیز تلگرافی اخیراً بامضاء چهل و پنج نفر بمجلس مضایره شده که انتخابات بم مبنی بر تصدیق بوده است شعبه اول تلگرافات را تحت مطالعه قرار داده مدرکی برای اثبات عدم آزادی ندیده که بتواند ترتیب اثری بآنها بدهد چون جریان انتخابات را هم مطابق قانون دیده صحت انتخابات بم و نمایندگی آقای عدل السلطنه را تصدیق مینماید

رئیس - گویا مخالفی نباشد (گفته شد خیر)

رأی میگیریم بر وکالت آقای عدل السلطنه آقایانیکه تصویب میفرمائید قیام کنند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

آقای آصف الممالک (احضار برای قرائت راپورت) (آقای آصف الممالک راپورت شعبه چهارم را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه چهارم در تاریخ ۳ ذیحجه ۱۳۳۹ در تعقیب جلسه بدوسیه انتخابیه حوزه نیشابور و توابع آن رسیدگی و مذاقه لازمه بعمل آمده بود نظر باینکه اولاً در جریان انتخابات حوزه مزبوره بطوریکه از صورت مجلس انتخابات آن حوزه بر می آید کاملاً رعایت مطابقت با مواد قانونی بعمل آمده و دیگر هیچگونه شکایت و اعتراضی نه در مدتی که انجمن نظارت برای اصفا شکایات نشده و نه بعد از آن نسبت بانقلابات انجاملاظه نگردید نمایندگی آقای عمید السلطنه را از نیشابور و توابع که با اکثریت ۸۷۳۲ رأی از ۹۷۶۵ رأی انتخاب کنندگان است تصدیق و بصحت اعتبار نامه ایشان باتفاق آراء رأی میدهند

رئیس - مخالفی نیست راجع باین راپورت؟ (مخالفی نبود)

رأی میگیریم بمداوله این راپورت

آقایانیکه نمایندگی آقای عمید السلطنه را تصویب میکنند قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

رأی رت راجع باقای سردار معظم کردستانی سابقاً قرائت و طبع و توزیع شده اگر مخالفی هست اظهار نمایند؟ (اظهار شد کسی مخالف نیست)

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

چون جلسه را دو ساعت بغروب مانده خیر کرده بودم و معلوم شد بعضی از آقایان نمایندگان مطلع نبودند و در تشریف آوردند وعده کافی نبود این بود که جلسه خیلی دیر تشکیل شد حالا هم چون خیلی از شب گذشته اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم بکنیم (جمعی تصدیق کردند)

و چون فردا روز سال وفات مرحوم مغفور میرزای شیرازی اعلی الله مقامه است و در مسجد سلطانی از دو ساعت بغروب تا سه ساعت از شب گذشته مجلس ترحیم خواهد بود و نظر با احترام روز وفات آن مرحوم اگر آقایان موافق باشند جلسه فردا تشکیل نشود (عموم نمایندگان تصدیق کردند) آقایان هم البته تشریف آورده و شرکت خواهند کرد (بعضی اظهار داشتند البته همه شرکت خواهند کرد)

جلسه آنی هم روز سه شنبه چهار ساعت قبل از ظهر خواهد بود (مجلس دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک

جلسه ۱۰

صورت مشروح مجلس صبح یوم سه شنبه چهارم ذی حجه ۱۳۳۹ مطابق ۱۷ برج اسد ۱۳۰۰

مجلس دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس لیله یکشنبه دوم را شاهزاده نصرت الدوله قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست؟ (گفته شد خیر)

صورت مجلس تصویب شد

شب یکشنبه دو جلسه منعقد شد خیلی منتظر شدیم که عده کافی شود بالاخره عده ۵۴ نفر شد و برای مذاکرات کافی بود بعد معلوم شد در موقع رأی گرفتن بکنفران آقایان نمایندگان خارج شده و آقایان منشایهم ملتفت این امر نشده بودند راجع به پنج فقره اعتبارنامه در اینجا خوانده شد و رأی گرفته و تصویب شد تماماً باطل بوده است خواستم این مسئله را عرض آقایان برسانم که در جلسه بعد این امر را اصلاح و ترمیم کنند (بعضی گفتند صحیح است)

رئیس - آقای آصف الممالک (احضار راپورتی است راجع به آقای مدرس باید قرائت شود)

(آقای آصف الممالک برای قرائت راپورت در محل نطق حاضر شدند)

شیخ الاسلام - بنده عرض میکنم چرا جلسه بعد؟

رئیس - شما تازه تشریف آورد ماید و از نظامات مجلس مطلع نیستید

شیخ الاسلام - خوب است بفرمائید تا مطلع شوم

رئیس - بایستی اول اجازه بخواهید آنوقت حرف بزنید

شیخ الاسلام - يك مرتبه دست بلند کردم و اجازه خواستم جوابی داده نشد

رئیس - مطلبی دارید اظهار نمائید

شیخ الاسلام - هر ضم این است که فرمودید آن اعتبارنامه های پنجگانه که باطل شده است جلسه بعد در آنها رأی گرفته میشود دلیل اینکه جلسه بعد در آنها رأی گرفته میشود چیست؟

رئیس - برای اینکه آقایان ملتفت این امر نبودند در هر امری که پیش می آید باید قدری تأمل شود بعد اقدام بشود بهتر است (تصدیق کردند)

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله راجع باین مطلب است؟

حاج شیخ اسدالله - بلی

ممكن است جزء دستور همین جلسه شود و بعد از خواندن اعتبارنامه ها رأی گرفته شود

رئیس - اگر اصراری در این کار دارید پیشنهاد بفرمائید تا رأی بگیریم

حاج شیخ اسدالله - چشم

رئیس - (خطاب به آقای آصف الممالک بفرمائید)

(آقای آصف الممالک راپورت شعبه چهارم را راجع بنمایندگی آقای مدرس بمضمون ذیل قرائت نمودند)

چون بر طبق صورت مجلس انتخابات طهران آقای حسینعلیخان نواب وزیر مختار مقیم بران که یازدهمین نماینده طهران و توابع آن محسوبند و با اکثریت ۳۱۷۲ رأی از ۱۱۸۰۳ رأی انتخاب کنندگان حوزه مزبور به نمایندگی تعیین شده اند بموجب تلگرافاتی که از ایشان بوزارت خارجه رسیده و سواد مصدق آن در دوسیه انتخابات ضبط است از نمایندگی استعفاء نموده و ماده ۴۳ قانون انتخابات نظر باینکه هرگاه نماینده قبل از گرفتن اعتبارنامه قبول نمایندگی ننمایند از بقیه منتخبین آن حوزه کسیکه نسبتاً حائز اکثریت است بنمایندگی تعیین میشود و بر حسب دفاثر ثبت آرائیکه از انتخابات طهران موجود است پس از آقای نواب اکثریت اول شامل مرحوم آقای سید حسین اردبیلی و ثانی مرحوم حاجی محمد تقی شاهرودی بعد از آن آقای ملک الشعراء بوده است که اولی دارای ۳۹۹۲ رأی و دومی دارای ۲۸۶۹ رأی ثابت بوده اند و چون مدلول ماده ۴۳ شامل حال آن دو نفر نیز گردیده باین معنی که هر دو قبل از قبول نمایندگی و

در یافت اعتبارنامه وفات نموندند ناچار بر حسب ماده مزبور شخصی که بعد از دو نفر متوفی حائز اکثریت است باید بنمایندگی تعیین و معرفی شود و همین جهت وزارت داخله در ۹ جدی ۱۳۳۹ مطابق ۹ ربیع الاول ۱۳۳۹ که بر حسب اراده ملوکامه افتتاح مجلس چهارمین دوره تقنینیه را میخواست در آتیه نزدیک اعلام نماید بایالت طهران نوشت که چون آقای حسینعلیخان نواب از نمایندگی استعفاء داده اند معلوم دارند و از هر کس از منتخبین بعد از ایشان حائز اکثریت بوده هیئت نظار مرکزی مراجعه شود اعتبارنامه نمایندگی او را تهیه و توسط وزارت داخله بداره مباشرت مجلس شوری اعلام گردد و از ایالت طهران در ۲۲ جدی ۱۳۳۹ بوزارت داخله میفرستد که چون اکثریت بعد از آقای نواب شامل حال مرحومین آقای سید حسین و حاج محمد تقی نموده و آنان نیز قبل از قبول وفات یافته اند و (آقای ملک الشعراء هم که آراء ثابت ایشان بر آراء ثابت آقای مدرس مقدم نموده و در آن تاریخ به نمایندگی بجنورد معرفی و اعتبارنامه دریافت کرده اند)

لهذا اکثریت شامل آقای مدرس است و ایشان را به نمایندگی معرفی مینماید و در همان اوقات وزارت داخله با آقای مدرس نمایندگی ایشان را اعلام ورد یا قبول را استعلام می کند و معظمای قبول نمایندگی را بوزارت داخله اظهار و بر حسب مراسله از وزارت داخله به ایالت طهران مقرر میشود که انجمن نظار را جمع و تعیین تکلیف اعتبارنامه آقای مدرس را معلوم و بوزارت داخله اطلاع بدهند اقدام این امر بافضایای بودروژه کودتا مصادف و تعیین این تکلیف در بویه اجمال مانده است تا در اواخر رجب گذشته که موجبات افتتاح مجلس فراهم میشود مجدداً از وزارت

داخله بحکومت طهران مراجعه و حضور آقایان نظار و مدارک اعتبارنامه را حاضر مینماید حکومت نیز آقایان نظار را بدعوات دعوت و پس حضور قضیه را مطرح بحث قرار داده مطابق دوقره نوشته که یکی در تاریخ ۱۵ شوال گذشته و دیگری در تاریخ ۲۳ شهر مزبور است هیئت نظار پس از مراجعه بجوابهای آقای نواب که توسط وزارت خارجه بوزارت داخله مضایره شده نظر باینکه در جوابهای مزبوره تصریح بکلمه استعفاء نشده است معای قطعی را استنباط ننموده و از آن رو از دادن اعتبارنامه احتیاط ورزیده و استعلام مجدداً از آقای نواب بحکومت طهران پیشنهاد مینماید و به همین تفصیل از حکومت طهران بوزارت داخله و از وزارت داخله بمقام ریاست مجلس شورای ملی حاکی از این است که از جوابهای سابق و لاحق استنباط نموده و مضایره و استعلام مجدداً ضرور نمائند است

هیئت رئیسه مجلس شورای ملی نیز بر حسب وظیفه قانونی رسیدگی و حکمیت مسئله را بموجب

ماده ۴ و ماده ۱۴۷ نظامنامه داخلی شعبه ۴ رجوع و محول داشت علیهذا شعبه ۴ رسیدگی و تحقیقات واقعه که در اطراف قضیه بعمل آورده و در جلسات عیدیه تبادل نظر نموده بالاخره در سیم ذیحجه ۳۹ رأی قطعی خود را بر شرحی که اظهار میشود به مجلس شورای ملی عرضه میدارد باینکه در مرحله اولی که انتخابات تهران خانه یافته است ولایات طهران مراتب را بوزارت داخله اطلاع و نمایندگان حوزه انتخابیه طهران را معرفی نموده راجع به نمایندگی آقایان مهاجرین که در خارج بوده اند لزوم اطلاع بآنها را از رد قبول نمایندگی پیشنهاد می کنند و در همان تاریخ وزارت داخله بوزارت خارجه مراجعه و مرحوم علاءالسلطنه تلگرافی که حاکی از نمایندگی آقایان تقی زاده و سلیمان میرزا و مساوات آقا میرزا طاهر و خود نواب است به آقای حسینی خان مخایره و در آخر تلگراف مزبور نظردولت را که استقرار آقای نواب بر مقام نمایندگی مختار دولت علیه در برلین باشد بایشان خاطر نشان نموده و اظهار میدارد که بواسطه اهمیت موقع نظر دولت بر این است که جنابعالی از قبول نمایندگی استعفاء و خدمات مهم تری را در آنجا عهده دار باشید و در جوابی که آقای نواب در آن تاریخ بوزیر خارجه میگوید نظردولت را که حاوی استعفاءی خودشان از مقام نمایندگی است تصدیق نمایند که عین جواب برای اطلاع مجلس درج میشود (وزارت خارجه تقی زاده سلیمان میرزا - مساوات - میرزا - طاهر و کالت را قبول و در باب خود بنده نظردولت را تصدیق ولی با نرسیدن مقرری تکلیف چیست و هجدهم ربیع الآخر ۱۳۳۶ حسینی) در تاریخ ۲۶ شهریور مزبور مرحوم علاءالسلطنه بر حسب مدلول جواب آقای حسینی خان (نواب) در جواب ایشان مجدد تلگراف ذیل را مخایره مینماید (حسینی خان نواب در خصوص تقی زاده - سلیمان میرزا طاهر بوزارت داخله اطلاع خود جنابعالی موافق صلاح مملکت باید در برلین بمانید مقرری هم بزودی خواهد رسید علاءالسلطنه) هر چند از جواب مزبور تصدیق که راجع به نظردولت در توقف برلین و استعفاءی از کالت آقای نواب نموده بخوبی واضح است که ایشان باقی بودن در مقام خود و استعفاءی از نمایندگی مرجع شمرده و بهین عزیمت باقی بوده اند باین حال در نهم ربیع آخر ۱۳۳۹ که بنای افتتاح مجلس بوده است از وزارت مجدداً به آقای نواب مراجعه و برای اینکه افتتاح مجلس را در نیمه دسامبر مقرر داشته بودند تلگرافاً بایشان اظهار میشود که چنانچه ایشان و آقای تقی زاده قبول نمایندگی را نموده اند بظورت اعلام داشته زودتر حرکت نمایند در این مخایره اشعار برجریان توقف ایشان در برلین نشسته بلکه رد قبول را موکول به رأی خود ایشان گذارده نهایت لزوم حرکت را اظهار کرده اند مجدداً آقای نواب بشرح ذیل جواب میدهد بعد عنوان نمره ۸۷ زیارت آقای تقی زاده و کالت را قبول کردند متنی هستند اعتبار نامه ایشان را از مجلس گذرانیده بفرستید منتظر هستند مسائل مسافرت قدری سهل تر شود بواسطه بی ترتیبی راه ها و ضعف بنیه حرکت فوری را لازم میدانید بواسطه همین مشکلات از قبول و کالت معذور هستم حسینی از ملاحظه و تطبیق این سؤال و جوابها و تصدیق اول آقای نواب نظر دولت را باینکه استعفاء

از نمایندگی نموده و در مقام خود بر قرار بماند و جواب ثانوی که اشعار میدارد آقای تقی زاده و کالت را قبول و منتظر گذشتن اعتبار نامه و تسهیل وسائل حرکت هستند ولی من بهمین جهات از قبول و کالت معذورم - بخوبی واضح است که آقای نواب از قبول نمایندگی معذرت جسته و فی الحقیقه استعفاء را در تلو عبارات دیگری گفته اند و هیچ محتاج نبوده که کلمه استعفاء را در جواب بگویند چه اگر نظر ایشان فی الحقیقه قبول و کالت بوده همان طور که آقای تقی زاده حرکت خود را مشروط قرار داده ایشان در صورتیکه بعد از جواب اول تردیدی در قبول نمایندگی حاصل کرده بودند ممکن بود بگویند من باین ترتیب برای حرکت حاضر تا چه برسد باینکه مصرحاً بگویند بهمان جهات از قبول و کالت معذور هستم بنا براتب معروضه شعبه چون از جواب های آقای نواب و دیگر اطلاعات خارجی استعفاءی قطعی ایشان را در استنباط نموده مسلم میدانم و بشرحیکه در تفرغه راپورت اظهار شده پس از اظهارات از آقایان فوق الذکر اکثریت شامل آقای مدرس میباشد لهذا شعبه نمایندگی آقای مدرس را از حوزه انتخابیه طهران و توابع که با اکثریت ۲۸۲۹ رأی ثابت از ۱۱۸۰۳ رأی انتخاب کنندگان حوزه مزبور است تصدیق وسعت انتخابات ایشان را با اتفاق آراء رأی می دهد .

رئیس - نسبت براپورت مغایرتی هست یا نه؟

سلیمان میرزا - بنده مخالف نیستم يك پیشنهادی نسبت براپورت دارم اگر اجازه بفرمائید چون تعیین دستور مجلس با خود مجلس است همیشه میتوانست دستور را تغییر و تبدیل بنده این راپورت خبلی مشروح و مفصل است و مخصوصاً جمله اخیر آن که نوشته بودند (بواسطه یارۃ اطلاعات خارجی) اینست که بنده تصور میکنم قدری دقت در آن لازم است و بدون اینکه بنده اظهار مخالفت بکنم عرض میکنم که هنوز اطلاع کامل از جریان این مطلب که در راپورت پیچیده نوشته شده بود ندارم بنابراین آقایان رفقا پیشنهاد میکنم که اگر ممکن است این موضوع را به جلسه آتی موکول بفرمائید تا بنده فرصتی پیدا کنم بشعبه رجوع کنم و دوسیه را بخوانم بعد از روی اطلاع کامل اظهار عقیده بکنم .

مستشار السلطنه - بنده این نظریه حضرت والا را بی موقع میدانم بجهت اینکه راپورت کاملاً فرائد شده حالا اگر نظریه دارند و در معنی مخالفت دارند باید او را پیشنهاد کنند .

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا - بنده هیچ نظریه نداشتم و پیشنهادی کردم و عرض کردم که بموجب نظام نامه داخلی مجلس حق دارد دستور خودش را تغییر بدهد اگر آقایان و کلاهی اکثریت مجلس باین پیشنهاد بنده مساعدت می کنند این راپورت بماند برای جلسه آتی اگر مساعدت نمیکند مثل سایر پیشنهادها حکمت با اکثریت است .

رئیس - آقا سید یعقوب (اجازه نطق)

آقا سید یعقوب - این راپورت گمان میکنم هیچ وجه مقتضی ندارد و مخصوصاً آن عبارتی را که آقای نواب در جواب گفته اند : من از قبول و کالت معذرت میخواهم کافی است و باین تصریح بی جهت اسباب شبهه برای حضرت والا شده ما محتاج باطلاعات خارجی نیستیم تصریح تلگراف این است که من از قبول نمایندگی معذرت می خواهم بعد از اینکه این عبارت باین صراحت در تلگراف شده است دیگر گمان نمیکند جای شبهه باقی باشد و گمان می کنم مطابق فرمایشی که آقای مستشار السلطنه فرمودند مسئله مخالفت باشد والا راپورت جامع است .

آصف الممالک - مخبر شعبه - عرض می کنم بقدریکه لازم بوده است در جریان انتخابات طهران و استعفاءی آقای نواب و تحقیقاتی که راجع با اکثریت آراء نسبت بایشان باشد و موضوع اینکه این استعفاء واقعاً استعفاء بوده است عبارت دیگری ذکر شده است بآخر تمام این تحقیقات در شعبه شمرده بقدراً کافی در راپورت توضیحات داده شده است اما آن کلمه که میفرمائید (بواسطه تحقیقات خارجی) بلی تحقیقات خارجی این بوده است که از بعضی از آقایان مهاجرین که تحقیقات شده اظهار داشتند که آقای نواب همان وقت هم مایل آمدن نبودند نظریه دولت را راجع بتوقف در آنجا تصدیق کرده بودند باین جهت در سایر ترتیبات راپورت هم بنده تصور نمیکند که محتاج بتوضیحات و مطالعات باشد حالا اگر آقایان پیشنهاد آقای سلیمان میرزا را بپذیرند آن موضوع دیگری است .

رئیس - آقا سیدفاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده چون عضو شعبه چهارم هستم عرض می کنم که آنچه آقای آصف الممالک مخبر شعبه بیان فرمودند در واقع اخبار از عقیده شعبه بوده ولیکن چون شاهزاده سلیمان میرزا بمجلس پیشنهادی نمودند لازم دانستم بعضی چیزها را عرض بکنم خلاصه راپورت دو مسئله است یکی اینکه آقای مدرس بعد از فوت دو نفر منتخبین طهران اکثریت دارند و یکی اینکه آقای حسینی خان استعفاء داده اند انتخاب آقای مدرس هم جزء انتخابات طهران است روش و طرز انتخابات طهران نسبت بتمام نمایندگان طهران یکی است منتهی گفتگوئی که راجع با آقای مدرس هست دو چیز است یکی اینست که دو نفر فوت شده است نوبت بایشان رسیده است و یکی هم آقای حسینی خان نواب استعفاء داده اند استعفاءی آقای بشارت معذورم یا معذرت می خواهم ذکر شده است و این کتابی است که ابلاغ از تصریح است بمقیه بنده اگر آقای نواب اظهار میکردند مستعفی هستم فریب بترکت نبود گمان می کنم که این یکی از موافقی است که کتابی ابلاغ از تصریح است و هیچ محتاج بتجدید نظر نیست .

رئیس - پیشنهادی که آقای سلیمان میرزا کردند این بود که این راپورت بماند برای جلسه دیگر

حالا در این باب رأی میگیریم .

جلیل المملک - بنده توضیح میخواهم .

رئیس - از آقای مخبر .

جلیل المملک - بلی .

رئیس - بفرمائید .

جلیل المملک - بعد از آنکه وزارت داخله مراجعه کرده است بمجلس ...

رئیس - فعلاً در اصل موضوع مذاکره نیست می خواهم راجع باین پیشنهاد رأی بگیریم که امروز نسبت براپورت رأی گرفته شود یا بماند برای جلسه دیگر آقایانی که عقیده شان این است که امروز رأی گرفته شود قیام فرمائید (اغلب قیام کردند)

رئیس - تصویب شد حالا دیگر آقای جنبل - المملک توضیح بخواهند بفرمائید .

جلیل المملک - از آقای مخبر شعبه توضیح می خواهم اینست که در راپورت می نویسند از حکومت رجوع بوزارت داخله شده و از وزارت داخله بریاست مجلس می خواهم بدانم بعد چه اقدام شده است .

آصف الممالک - اگر راپورت درست وقت شده بود گمان می کنم تمام این توضیحات در راپورت داده شده بعد از اینکه بعضی اعضاء انجمن از کلمه معذور هستم استعفاءی ایشان را نفهمیدند باین جهت از ایالت طهران تقاضا کردند که در آنجا تلگرافاتی بآقای نواب بشود که ایشان کلمه استعفاء را بصریح در ضمن تلگرافشان بگویند از حکومت طهران بوزارت داخله مراجعه میشود وزارت داخله چون خودش استعفاءی ایشان را استنباط کرده بوده خود را محتاج باین تجدید تلگراف ندانسته مراجعه کرده اند بهیتر رئیس مجلس و چون از طرف رئیس هم شعبه رجوع شده است و شعبه هم محتاج ندیده است که تجدید تلگراف و تجدید سؤال بشود زیرا از جواب آقای نواب چنین مستفاد میشود که ایشان توقف در آنجا را اولی دانسته اند و از و کالت هم خودشان را معذور داشته اند

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا - چون همه آقایان بهتر از بنده میدانند که در اطراف این مسئله در داخل خارج چه صحبت ها میشود بنده خواستم با کمال نزاکت تقاضا بکنم که مجلس رأی را به جلسه آتی موکول نماید تا بنده از روی اطلاع حرف بزنم و رأی بندهم چون متأسفانه آقایان و کلاهی ندارند بنابراین از يك حق و کالتی که می خواستم از آن استفاده کنم عرض می کنم مخالفم تا مطالعات خود را بکنم پس مذاکرات میماند به جلسه آتی منتهی آنوقت میخواستم اینکار بانزاکت شده باشد .

رئیس - این اظهارات بارای مجلس تناقض دارد چون رأی گرفتیم که امروز رأی گرفته شود لهذا قبلاً میبایستی بفرمائید مخالفان باین ملاحظه بنده مجبورم رعایت مواد نظامنامه داخلی را بکنم (جمعی تشریف ببرید در شعبه دوسیه هم حاضر است ملاحظه تصدیق کردند)

سلیمان میرزا - در این خصوص دوماده

نظامنامه است که باینکه دیگر مزاحمت دارد و معلوم نیست تفسیر چه چیز است در نظامنامه داخلی این مسئله هم مسکوت عنه است یکمرتبه این است که بنده می گویم مخالفم بماند برای جلسه آتی و يك دهم بموجب رأی مجلس حالا که پیشنهاد بنده رد شد در هر حال بنده خوشبختانه یا بدبختانه مثل دوره های سابق در اقلیت هستم یعنی اگر دوره های سابق در اقلیت بودم ایندفعه در اصل قبل هستم و محققاً هر پیشنهادی بکنم رد میشود . اما بنده که بکنم و کبیل طهران هستم استدعا کردم و میخواستم از برای کسی که بامن در دوره انتخابیه بوده است بعد از مطالعات بسیار از روی صحت و دقت رأی بندهم این خواهش بنده را اگر قبول نمی کنند (چنانچه قبول هم نکردند) اختیار با خودشان است و چون بی اطلاع هستم مخالف هستم و رأی نخواهم داد .

رئیس - مطالبی را که میفرمائید صحیح یا سقیم بنده حق اظهار رأی ندارم بنده بایستی آنقدریکه میتوانم آقایان را وادار بکنم که نظامنامه را رعایت بکنند (صحیح است) اگر مخالفتی داشتید میخواستید قبلاً بفرمائید (صحیح است) بعد از این که رأی داده شد که امروز باید رأی گرفته بشود دیگر نمیتوان به تأخیر انداخت . بماند برای عصر رأی بدهند ولیکن برای روز دیگر نمیشود چون آن رأی مجلس با این اظهارات مخالف است (گفته شد صحیح است)

سلیمان میرزا - بنده باز تکرار میکنم که هیچ منظور و اصراری در این مسئله ندارم که امروز عصر باشد یا فردا چند ساعت وقت میخواهم که دوسیه را با حضور مخبر شعبه مطالعه کنم . اگر اکثریت مجلس این چند ساعت وقت را بمن نمیدهند مختارند اگر میهند از روی دقت مطالعه میکنم و رأی میدهم البته وقتی که وقت نداده مطابق نظامنامه داخلی اصافات اکثریت رامیکنم .

رئیس - آقای حاج آقا (اجازه نطق)

حاج آقا - بنده تصور میکردم که بعد از گرفتن رأی دیگر این مذاکرات تمام شده چنانچه خود شاهزاده هم این مطلب را تصدیق فرمودند که عجلاناً نظریه اکثریت برای رأی گرفتن امروز بوده و خودشان میدانند که این اظهارات چندان تأثیری در تغییر اکثریت و وضعیت رأی نمی کند و خوب بود ایشان هم همان نزاکت را حفظ میفرمودند لکن بنده برای جمع بین دو نظریه تقاضا میکنم که اکثریت با بنده و حضرت والا مساعدت کنند و رأی را بگذارند برای بعد از آنوقت - چون حضرت والا هم برای مراجعه و دیدن يك دوسه ساعت بیشتر وقت لازم ندارند مگر اینکه بخواهند تحقیقات از خارج بکنند والا اگر نظریه ایشان مراجعه دوسیه است ممکن است حالا تشریف ببرید در شعبه دوسیه هم حاضر است ملاحظه بفرمائید زیرا که صورت جریان انتخابات طهران نسبت

به آقای مدرس همان صورتی است که راجع به انتخاب خود حضرت والا است فقط چیزی که هست انتخاب و تعیین اکثریت آقای مدرس بعد از استعفاءی آقای نواب است آقای نواب هم اشکالی در تلگرافشان نیست منتهی بعضی اعضاء انجمن نظارت ...

رئیس - داخل مطلب شدید . در اصل مطلب نمیخواهم حرف بزنم .

حاج آقا - بلی داخل مطلب شدم مقصودم این بود که شاهزاده حالا میتوانند بروند در شعبه تلگراف آقای نواب را به بنده و مطلب را ارتباط کنند اگر چه نظرشان بر مراجعه دوسیه است همانجا به بنده و نیاسات هم برای ملاحظه آن کافی است .

رئیس - بنده خواستم پیشنهاد کنم که این مسئله و آن پنج فقره که در جلسه قبل رأی گرفتیم و باطل بوده است بماند برای بعد از آنوقت امروز حالا اگر آقایان موافقت نسبت به تمام اینها بعد از آنوقت رأی گرفته شود (بعضی تصدیق کردند) .

قلین - بنده عرضی دارم .

رئیس - بفرمائید .

قلین - نسبت به تعویق اعتبار نامه آقای مدرس شرط قبول متقاعد شدن آقای سلیمان میرزا است اگر این مقدار وقت یعنی نیم ساعت برای ایشان کافی است مالمه موافقم اگر کافی نمیدانند وزیر باید وقت بخواهند خوب است همین فرمائید و راجع بآن پنج فقره که فرمودید بنده موافق هستم .

سلیمان میرزا - بنده فقط مخالفتم از نقطه نظر اجبار بود که به بنده وقت بدهند از روی وقت دوسیه را بخوانم و از مخبر شعبه در آنجا قدری تحقیقات بکنم . عهده چیزی که هست میخواهم اطلاعاتی حاصل بکنم که چرا انجمن نظار اعتبارنامه نداده اند بدو این را بدانم بعد از روی اطلاع عرض کنم خواه در نیم ساعت اینکار بشود خواه زیادتر فقط يك مقدار وقتی میخواهم که تحصیل اطلاعی بکنم .

آصف الممالک - گویا بنده فراموش کرده بودم که علت رأی ندادن آقایان نظار را در راپورت بعرض آقایان برسانم دو فقره نوشته از آقایان نظار موجود است که مدلول این دو نوشته اینست که از کلمه معذور هستم استنباط استعفاء نمی کنند و چون استنباط نمی کنند علیهذا بهتر میدانند اعلام ثانوی بشود هیچ علت دیگر ندارد صورت آراء هم باتمام دقت در شعبه موجود است علت دیگری هم که بتواند نظر آقایان را در اعتبارنامه به تعویق بیندازد موجود نبوده است حالا اگر حضرت والا به راپورت و توضیحاتی که بنده دادم قانع هستند با آقایان نمایندگان موافقت می کنند و اگر قانع نیستند منوط به نظریات آقایان نمایندگان است .

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ (گفتند خیر)

پس آقای سلیمان میرزا اگر نیم ساعت را کافی میدانند پیشنهادی بکنند که این مسئله بماند برای عصر امشب بنده رأی بگیرم والا مذاکراتی که در اطراف این مسئله شده است کافی است .

سایمان میرزا - همان طور که حضرت رئیس فرمودند کاملاً از آقایان متشکر میشوم و اگر هم مساعدت نمیفرمایند بسته برای مبارک خودشان است.

آقای مدرس - (اجازه خواستم).

رئیس - مخالفید یا موافق.

مدرس - حق دفاع که دارم.

رئیس - بفرمایند.

مدرس - بنده مکرر از آقای رئیس استدعا کردم که اعتبار نامه بنده را با آخر اعتبار نامه ها بنوازند یعنی بعد از اینکه تمام اعتبار نامه های آقایان و کلاه را خوانند اعتبار نامه مرا بخوانند ولی چون آقایان به بنده خیلی التفات داشتند خواستند زود بگذرد و اتفاقاً امروز شد و چون این کار مغضوب بخورده است (اگر تا بحال کسی پیدا نشده که راجع به اعتبار نامه خودش در این مجلس دفاع کند و بعد از این هم پیدا نخواهد شد) لکن بنده عرض میکنم در این مذاکراتی که میشود دو مسئله است یکی اجمال کلام معتبر است که منشأ آنجرف باشد ...

رئیس - قبل از اینکه داخل در مطلب شویم میفرماید به بیم که این مسئله بماند برای جلسه عصر یا خیر.

مدرس - میفرماید توضیحی عرض بکنم بعد از آنکه مجلس شورای ملی رای داد که این رای حالا باید گرفته شود.

فوتوا هیچ کس حق مخالفت ندارد (گفته شد صحیح است) مخالفتی که قانون اجازه نداده است بدست و عقب انداختن این امر خلاف صریح قانون و نظامات مجلس است مگر اینکه یک قانون علیحده مجلس وضع کند والا باید حالا رای گرفت و این مخالفت بی اثر است.

رئیس - آقای سردار معظم خراسانی (اجازه نطق) سردار معظم - اولاً تصور میکنم رایی که

مجلس داد مربوط به امروز بود نه حالا برای اینست که در این مجلس گفته بشود که اکثریت مطابق تصدیقات قبلی خودش رفتار میکنند و برعکس هم بدانند که هر اکثریتی که در مجلس تشکیل می شود فقط پاینده باشد پیشنهاد است و نظیر دیگری ندارد لهذا بنده با پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا موافقت میکنم و نظامنامه داخلی مجلس هم بهر یک از افراد نمایندگان حق میدهد که با هر اعتبارنامه که می خواهند مخالفت کنند. شاهزاده سلیمان میرزا ابتداء خواستند بایک نرا کتی مخالفت کنند و بالاخره اظهار مخالفت نمودند مطابق نظامنامه داخلی باید این مطلب موکول به جلسه بعد شود و اگر رای گذشته مجلس نبود مطلب موکول به جلسه بعد میشد ولی چون نسبت باین مطلب رای داده شده باید هر دو طرف قضیه مراعات شود باین جهت طبیعی ترین طرفش این است که جلسه بماند برای عصر و مخصوصاً بنده یکی از موافقین صحت انتخاب آقای مدرس هستم زیرا که این انتخاب چه از صحت بوده و محل تردید نیست ولی برای اینکه هیچ

شائبه و هیچ سوء تفاهمی بر این زمینه باقی نماند ما باید بتمام مخالفین اجازه بدیم بهر نحوی که بخواهند با نهایت آزادی مخالفت خود را اظهار نمایند (بعضی تصدیق کردند) و ما باید با آقایان موافقت بکنیم که در مجلس شورای ملی هر یک از نمایندگان بخواهند استفاده از حق خودشان بکنند و از همین نقطه نظر بنده هم کاملاً با شاهزاده سلیمان میرزا موافق هستم.

رئیس - پس رای می گیریم که این رایورث بماند برای جلسه عصر یا خیر ؟ آقایانکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت ۳۵ رای تصویب شد میماند برای جلسه عصر.

آقای آصف الممالک - (احضار برای قرائت رایورث)

آقای آصف الممالک - در محل نطق حاضر در رایورث شعبه چهارم را راجع بنهائیدگی آقای میرزا ظاهر تنکابنی بهضمون ذیل قرائت نمودند شعبه چهارم در تاریخ ۳ ذیحجه ۱۳۳۹ بصریحی که در رایورث امرو ۷ خود راجع بلاطه صورت مجلس انتخابات طهران و حوزه انتخابیه آن بمجلس شورای ملی تقدیم داشته باعتبار نامه های آقای آقا میرزا ظاهر تنکابنی رسیدگی و نظر بصحت انتخابات مزبوره نمایندگی ایشان را از طهران و توابع که با کثرت ۳۲۰۶ رای از ۱۱۸۰۳ انتخاب کنندگان است تصدیق و بصحت اعتبار نامه ایشان با اتفاق آراء رای میدهد.

رئیس - نسبت باین رایورث مخالفی نیست **محمد هاشم میرزا** - بنده مخالفم

رئیس - پس میماند برای جلسه دیگر. رایورثی است به آقای مساوات آقای سردار معظم اجازه میفرمایند.

سردار معظم - بنده از اخبار استعفاء دادم رجوع بدیگری فرمایند.

رئیس - استعفاء داده اند.

سردار معظم - خیر حالا استعفاء میهم.

رئیس - باید قبلاً در شعبه استعفاء داده باشد.

سردار معظم - در خواندن این رایورث اظهار عقیده بنده فقط حاکی اراده شعبه خواهد بود عقیده خود من نیست (رایورث شعبه پنجم را راجع شایندگی آقای مساوات بهضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه پنجم بدوسیه انتخابات نمایندگی آقای مساوات رسیدگی کند نظر باینکه شعبه رایورث خود را در باب انتخابات طهران در زمینه نمایندگی آقای تدین اظهار کرده است لهذا با حفظه آن نظر صحت نمایندگی آقای مساوات تصویب میشود

رئیس - نسبت باین رایورث مخالفی نیست ؟ **آقا میرزا ابراهیم قمی** - بنده مخالفم.

رئیس - میماند برای جلسه دیگر طبع و توزیع میشود. آقا سید حسن دین (احضار)

رایورثی است راجع به آقای رکن الملک قرائت می شود.

(آقای تدین رایورث شعبه دوم را بهضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه دوم بدوسیه انتخابات خرم آباد و لرستان بدقت رسیدگی نموده و برای استحضار مجلس شورای ملی عرض مینماید که انجمن نظار مرکزی انتخابات در خرم آباد در شعبان ۳۸ رسماً تشکیل گردیده مدتی در خصوص تشکیل انجمنهای جزء در نقاط دیگر مذاکره و تبادل آراء نموده و در نتیجه بواسطه اغتشاش لرستان و تهاجم الوار و طغیان آنها از تشکیل انجمنهای جزء صرف نظر کرده است ولی برای اینکه حتی الامکان اهالی را مطلع و آنها را بشرکت در انتخابات دعوت نمایند در تمام نقاط ممکنه اعلان انتخابات را منتشر ساخته و حتی برای والی پشت کوه بوسیله حکومت خرم آباد مقداری اعلان فرستاده و تقاضای انتشار آنها را در آنجا نموده اهالی آنجا را بشرکت در انتخابات و اخذ تهره از حوزه انتخابیه مرکزی خرم آباد دعوت نموده است و مطابق تصدیق کتبی انجمن مرکزی جواب از والی پشت کوه راجع بوصول مراسلات انجمن مرکزی و حکومت خرم آباد و مقداری اضافه اعلان فرستاده و تقاضای انتشار آنها را در آنجا نموده و اهالی آنجا را بشرکت در انتخابات و اخذ تهره اهالی خرم آباد و اعلانات مر اسله و اطلاع طوائف پشتکوه بانجمن مرکزی رسیده و انجمن عین آنرا برای ایالت روجرد و لرستان محض اطلاع فرستاده است خلاصه انجمن مرکزی با وجود مشکلات عدیده موفق شده که اغلب ایالت مهم آنجا در اخذ تهره توزیع کرده و از این مقدار موازی (۳۷۲۰) ورقه تعرفه باوراق برگشته و آقای رکن الملک با کثرت دارا شورای ملی انتخاب شده اند و پس از اتمام قرائت آراء مدتی بگفته انجمن مرکزی برای وصول شکایات منتظر بوده و شکایتی نرسیده لذا اعتبارنامه باسم آقای رکن الملک صادر و خامه انتخابات را اعلام کرده است.

رئیس - راجع باین رایورث مخالفی نیست ؟ (گفته شد خیر) پس رای میگیریم بنهائیدگی آقای رکن الملک آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقای آقا شیخ محمد جواد (احضار برای قرائت رایورث)

راجع با آقای عماد السلطنه باید قرائت شود. (آقای آقا شیخ محمد جواد در محل نطق حاضر و تهره رایورث راجع با آقایان عماد السلطنه و حاج امین التجار نمایندگان اصفهان را دریافت و چند کلمه به طور خفی با آقای رئیس مذاکره نمودند)

رئیس - این رایورث ها را آقای مخیر مسترد میکنند بماند برای جلسه دیگر.

آقای سردار معظم خراسانی (احضار) رایورثی است راجع با انتخابات کاشان باید قرائت شود (آقای سردار معظم خراسانی رایورث شعبه پنجم را راجع با انتخابات کاشان بهضمون ذیل قرائت کردند)

شعبه پنجم بدوسیه انتخابات کاشان رسیدگی که نظریات خود را ذیل بعرض میرساند. انجمن نظارت انتخابات مطابق قانون در چهاردهم شهر جمادی الثانی ۱۳۳۷ منعقد شده اعلان

انتخابات را منتشر نموده است. از طرف انجمن نظارت جزء یک رای نطق و دیگری برای جوشقان تصدیق شده و برای نظارت و نفر نماینده و برای جوشقان بکثر نمایند از طرف انجمن اعزام شده است.

مطابق اعلان انتخابات موقع دادن تعرفه از سوم رجب الی دهم تعیین شده و تا ششم تعرفه داده شده است ولی در تاریخ مزبور حکم توقیف انتخابات از تهران واصل و بوقع اجراء گذارده شده است دو طرف ۳ روز مزبور (۱۰۶۶) ورقه تعرفه داده شده است. علت توقیف انتخابات وصول شکایات از سوء جریان انتخابات و حاضر نبودن زمینه انتخابیه شمرده شده منجمله رئیس نظریه تلگرافی رئیس - الوزاره زمان کرده و از طرف وزارت داخله امر توقیف انتخابات صادر گردیده است پس از مراجعه به حکومت محل برای تحقیق مطلب و حاضر شدن زمینه اولاً حسب الامر طهران توقیف مرتفع و با انتخابات ادامه داده شده است از سوم شعبان ۱۰ تا نایباً انجمن منعقد و پس از نشر اعلان از پنجم شعبان شروع بدادن تعرفه شده و تا دهم شعبان تعرفه داده شده است و با (۱۰۶۶) تعرفه که قبل از داده شده بوده است (۲۲۵۵) تعرفه در کاشان داده شده است از ۱۳ شعبان اتخاذ آراء شروع و تا غروب یازدهم امتداد یافته (۱۵۴۹) رای مأخوذ شده است و در ۲۸ شعبان مستخرج و آقای اجلیل الملک دارای (۱۵۲۸) رای و آقای آقا میرزا سید حسن دارای (۱۵۲۵) رای شده که انتخابات نظارت از ۱۹ شعبان شروع شده (۲۰۵۷) ورقه تعرفه داده شده و (۱۷۹۵) رای اخذ شده است آقای آقا میرزا سید حسن (۱۶۳۰) رای و آقای اجلیل الملک (۱۶۲۹) رای داشتند که انتخابات جوشقان از ۹ شعبان شروع و تا ۱۴ شعبان خامه یافته است و آقای آقا سید حسن (۹۴۵) رای و آقای اجلیل الملک ۹۴۲ رای داشته اند که هر دو انجمن جزء که پس از اخذ آراء میخواستند صندوق آراء را برای استخراج بکاشان بفرستند ولی انجمن مرکزی بلامه ملاحظاتی محلی که گویا ملاحظه از تخطی اتباع نائب حسین بصندوق آراء علت اصلی بوده است آوردن صندوقها را بشهر صلاح ندانسته و استخراج آنرا در محل مرجع شمرده است.

بنابر آنچه گفته شد آقای آقا میرزا سید حسن با کثرت (۴۱۰۰) رای و آقای اجلیل الملک با کثرت (۴۰۹۹) رای مجموع آراء حوزه انتخابیه کاشان و جوشقان و نظارت پست نمایندگی انتخاب شده اند و نتیجه انتخابات از طرف انجمن اعلان شده است و پنج پاکت اعتراض رسید و انجمن پس از رسیدگی و اعتراضات واصله رد کرده است

شکایاتی که از انتخابات در دوسیه موجود است بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

معاون حکومت طرفداری از انتخابات نمایندگی جمعی می نمایند ولی حکومت محل بی طرفی خود را بیان و می نویسند که خود او و معاونش با نهایت دقت مراقبات قانونی را در انتخابات کاشان کرده اند شکایات دیگر راجع باین است که رئیس انجمن نظارت حسن جریان انتخابات کاشان را تردید و در انجمن نظارت عیناً سوء جریان آنرا تصدیق نموده است در مقابل این نوشته سند دیگری در دوسیه موجود است که رئیس انجمن مزبور این تهمت را از خود دور کرد برعکس صحت جریان انتخابات را تصدیق می نماید یک قسمت از شکایات متوجه به انتخابات نظارت است که شکایت شده است مأمورین دولتی و مخصوصاً مأمورین مالیه مداخله و اعمال نفوذ در امر انتخابات کرده و ضمناً انفعال مأمور انتخابات آنجا شده و حتی نسبت داده شده است که صندوق آراء نظر باین مالیه آنجا سیرده شده است از طرف وزارت داخله به حکومت نوشته شده است که در صورت تصدیق سوء جریان انتخابات نظر انتخابات آنجا را تجدید نمایند

در مقابل رضایت نامه از حسن جریان انتخابات نظارت و همچنین رضایت نامه راجع با انتخابات نظارت از طرف علماء و معارف انجمن نظارت و حکومت نظارت و همچنین تکذیب نامه راجع به سیردن آراء نظارت باین مالیه در دوسیه موجود است همچنین رضایتنامه راجع بحسن جریان انتخابات جوشقان و تصدیق انجمن نظارت آنجا و حکومت محل در دوسیه موجود است همچنین راجع با انتخابات کاشان در مقابل شکایات واصله علاوه بر تصدیق نامه های صحت جریان انتخابات از طرف انجمن نظارت و حکومت از طرف فرقه دموکرات که ورقه حاکی از صحت جریان انتخابات و شکایات از مداخلات ماشاء الله خان برضد انتخابات نیز موجود است مطابق نوشتهجات موجوده در دوسیه طرز رفتار ماشاء الله خان نسبت با انتخابات کاشان غیر معلوم و مبهم است شکایات کنندگان از انتخابات مشارالیه را طرف دار انتخابات دانسته و از اعمال نفوذ و شکایات مینمایند موافقین با انتخابات او را بر عکس مخالف انتخابات دانسته و عملیات مخالفین را منتسب باو میدانند حکومت محل او را در مراحل اول بیطرف در امر انتخابات معرفی کرده و میگوید که ماشاء الله خان بواسطه عدم مداخله در انتخابات از شهر خارج شده است و در مراحل ثانی او را مخالف می شمارد در دوسیه اسناد دیگری نیز که مستفاد و دال بر هر دو معنی باشد موجود است بعضی از شکایات کنندگان از انتخابات کتباً اظهار میدارند که مخالفت آنها با انتخابات مطابق دستور العمل ماشاء الله خان بوده و مشارالیه برای بدست دادن مدرک برای مخالفین انتخابات توصیه در انتخاب کردن نمایندگی فعلی کاشان خواهند نمود که مطابق همان مدارک شکایات کنندگان انتخابات را غیر آزاد او مبنی بر تهدید جلوه میدهند پس از صدور حکم تجدید انتخابات در سه

ماضیه باز شکایات واصله سابق تجدید شده است شعبه پس از رسیدگی بپاسناد موجوده در دوسیه نظریات که انجمن های نظارت و حکومت محل و یکمده از اهالی صحت جریان انتخابات را مؤکداً تصدیق کرده اند

انتخابات کاشان را محکوم بصحت دانسته و نمایندگی آقایان آقا میرزا سید حسن و آقای اجلیل الملک را تصدیق مینمایند

رئیس - نسبت باین رایورث مخالفی هست یا خیر ؟

مدرس - تقاضای تفکیک میکنم

رئیس - البته در موقع رای گرفتن تفکیک میشود اول راجع به نمایندگی آقای آقا سید حسن رای گرفته میشود مخالفی هست یا نه گفته شد خیر رای می گیریم بنهائیدگی ایشان آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد راجع به آقای اجلیل الملک مخالفی هست ؟

حاج شیخ اسدالله - بنده مخالفم

رئیس - میماند برای جلسه بعد (در این وقت آقای حاج شیخ اسدالله برای قرائت رایورث احضار) و ایشان رایورث شعبه ششم را راجع بنهائیدگی آقای علی زارع قرائت نمودند انتخابات شیراز و توابع تمام مطابق قانون بوده زیرا که مراعات مواد قانونی از نشر اعلانات و دادن تعرفه و اخذ آراء در مدت قانونی بعمل آمده و انجمن های جزء را نیز تمام مطابق قانون تشکیل داده اند و برای تسهیل رای دهندگان ۳ انجمن جزء علاوه بر آنچه در جدول قانون انتخابات است در محل هاییکه دور از محل تشکیل انجمن بوده و دارای جمعیت زیاد بوده تشکیل داده و انتخابات را در مرکز و نقاط جزء جریان و خامه داده اند کتبه آرائی که از تمام حوزه انتخابیه مأخوذ شده ۲۶۳۹۱ رای بوده و آقای آقا علی زارع با کثرت ۱۷۲۸۳ رای انتخاب شده اند انجمن نظار مرکزی مراعات ماده ۴۵ از قانون را نموده و شکایتی نرسیده است شکایتی نیز بمجلس نرسیده لذا شعبه با اتفاق آراء صحت انتخاب و نمایندگی آقای آقا علی زارع را از حوزه انتخابیه شیراز و توابع تصدیق مینماید

رئیس - باین رایورث مخالفی هست یا نیست ؟ (اظهار مخالفتی نشد) رای می گیریم بوکالت آقای آقا علی زارع

رفعت الدوله - عده کافی نیست

رئیس - کافی است عده ۵ نفرند آقایانیکه و کالت آقای علی زارع را تصویب میفرمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رایورثی است راجع آقای مقبل السلطنه قرائت میشود

(آقای آقا شیخ محمد جواد بهضمون ذیل قرائت نمودند)

رایورثی است راجع با انتخابات کاشان باید قرائت شود (آقای سردار معظم خراسانی رایورث شعبه پنجم را راجع با انتخابات کاشان بهضمون ذیل قرائت کردند)

شعبه پنجم بدوسیه انتخابات کاشان رسیدگی که نظریات خود را ذیل بعرض میرساند. انجمن نظارت انتخابات مطابق قانون در چهاردهم شهر جمادی الثانی ۱۳۳۷ منعقد شده اعلان

انتخابات را منتشر نموده است. از طرف انجمن نظارت جزء یک رای نطق و دیگری برای جوشقان تصدیق شده و برای نظارت و نفر نماینده و برای جوشقان بکثر نمایند از طرف انجمن اعزام شده است.

انتخابات را منتشر نموده است. از طرف انجمن نظارت جزء یک رای نطق و دیگری برای جوشقان تصدیق شده و برای نظارت و نفر نماینده و برای جوشقان بکثر نمایند از طرف انجمن اعزام شده است.

مطابق اعلان انتخابات موقع دادن تعرفه از سوم رجب الی دهم تعیین شده و تا ششم تعرفه داده شده است ولی در تاریخ مزبور حکم توقیف انتخابات از تهران واصل و بوقع اجراء گذارده شده است دو طرف ۳ روز مزبور (۱۰۶۶) ورقه تعرفه داده شده است. علت توقیف انتخابات وصول شکایات از سوء جریان انتخابات و حاضر نبودن زمینه انتخابیه شمرده شده منجمله رئیس نظریه تلگرافی رئیس - الوزاره زمان کرده و از طرف وزارت داخله امر توقیف انتخابات صادر گردیده است پس از مراجعه به حکومت محل برای تحقیق مطلب و حاضر شدن زمینه اولاً حسب الامر طهران توقیف مرتفع و با انتخابات ادامه داده شده است از سوم شعبان ۱۰ تا نایباً انجمن منعقد و پس از نشر اعلان از پنجم شعبان شروع بدادن تعرفه شده و تا دهم شعبان تعرفه داده شده است و با (۱۰۶۶) تعرفه که قبل از داده شده بوده است (۲۲۵۵) تعرفه در کاشان داده شده است از ۱۳ شعبان اتخاذ آراء شروع و تا غروب یازدهم امتداد یافته (۱۵۴۹) رای مأخوذ شده است و در ۲۸ شعبان مستخرج و آقای اجلیل الملک دارای (۱۵۲۸) رای و آقای آقا میرزا سید حسن دارای (۱۵۲۵) رای شده که انتخابات نظارت از ۱۹ شعبان شروع شده (۲۰۵۷) ورقه تعرفه داده شده و (۱۷۹۵) رای اخذ شده است آقای آقا میرزا سید حسن (۱۶۳۰) رای و آقای اجلیل الملک (۱۶۲۹) رای داشتند که انتخابات جوشقان از ۹ شعبان شروع و تا ۱۴ شعبان خامه یافته است و آقای آقا سید حسن (۹۴۵) رای و آقای اجلیل الملک ۹۴۲ رای داشته اند که هر دو انجمن جزء که پس از اخذ آراء میخواستند صندوق آراء را برای استخراج بکاشان بفرستند ولی انجمن مرکزی بلامه ملاحظاتی محلی که گویا ملاحظه از تخطی اتباع نائب حسین بصندوق آراء علت اصلی بوده است آوردن صندوقها را بشهر صلاح ندانسته و استخراج آنرا در محل مرجع شمرده است.

بنابر آنچه گفته شد آقای آقا میرزا سید حسن با کثرت (۴۱۰۰) رای و آقای اجلیل الملک با کثرت (۴۰۹۹) رای مجموع آراء حوزه انتخابیه کاشان و جوشقان و نظارت پست نمایندگی انتخاب شده اند و نتیجه انتخابات از طرف انجمن اعلان شده است و پنج پاکت اعتراض رسید و انجمن پس از رسیدگی و اعتراضات واصله رد کرده است

شکایاتی که از انتخابات در دوسیه موجود است بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

بعضی راجع با اعمال نفوذ مأمورین مالیه بدارک شکایات است که حکومت محل صحت آنرا تکذیب مینماید

شبه پس از رسیدگی بدو سیه انتخابات ترشیز
جریان انتخابات را ذیلاً باطلاع نمایندگان محترم
می رساند . .

در هشتم جمادی الاول ۱۳۳۸ انجمن نظامی مرکزی
منعقد شده از نوزدهم جمادی الاول الی پنجم جمادی
الثانی در مرکز حوزه انتخابیه (۱۱۰۴) ورقه تعرفه
داده اند و (۸۶۶) ورقه رأی اخذ شده به علاوه شش
شبه نظارت در نقاط ذیل تشکیل داده اند . رستاق
کنار شهر . کوهپایه . بیستان . کوه سرخ . قرشه
در تمام شش شبه (۴۳۵۷) ورقه توزیع و (۴۷۷۹)
ورقه رأی مأخوذ داشته اند کلیتاً در شهر و شش شبه
(۵۶۶۱) ورقه تعرفه داده شده و (۵۱۴۵) ورقه
رأی اخذ کرده اند و حاجی مقبل السلطنه با اکثریت
(۴۱۴۴) رأی بسمت نمایندگی انتخاب شده اند
و پس از خاتمه انتخابات انجمن نظامی نظر یک شبه برای
اخذ شکایات دایر و شکایاتی نرسیده شعبه چون
انتخابات ترشیز را مطابق مقررات قانون دانسته تا
بجای هم شکایاتی نرسیده صحت انتخابات و نمایندگی
حاج مقبل السلطنه را تصدیق نمایند .

رئیس - نسبت باین راپورت مخالفی نیست .
تدین - بنده مخالفم .
رئیس - میباید برای جلسه دیگر چون فلادر
دستور نیست جلسه را ختم می کنیم و جلسه بعد دوبار
امروز تشکیل خواهد شد .

رفعت الدوله - اجازه می خواهم .
رئیس - بفرمائید . راجع به چه مسئله ایست .
رفعت الدوله - عرض میکنم مقرر فرمائید
آقایان سر موقع تشریف بیاورند والا اغلب آقایان
زودتر می آیند و معطل میمانند .

رئیس - وقتیکه اعتبارنامه ها گذشت نظامنامه
یک تریبی دارد که آقایان در موعده مقرر حاضر خواهند
شد . آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا - چنانچه در خارج عرض کردم
اجازه میفرمائید چند کلمه عرض کنم البته آقایان
نظامنامه داخلی را ملاحظه فرموده اند و مسبوق
هستند نظامنامه داخلی راجع به سئوالات و
استيضاح از وزراء ترتیباتی ذکر کرده است مثل
این می ماند که و کلاه و قتیقه تمام اعتبارنامه هاشان
گذشت و بهیئت رئیسه دائمی معین شد آنوقت حق
دارند داخل سئوالات از وزراء بشوند نظامنامه
اینطور میفرماید اما از طرف دیگر ممکن است
یک نفر وکیل یا یک نفر ایرانی بعضی اخبار بشنود
و تحمل نکند اینست که بنده در جزو اخبار دیروز ۱۶
برج است یک ورقه غریبی خواندم راجع باصفهان و
خودم و جمیع آقایان را وجدانا و شرافتاً مسئول این
میدانم که در این مسئله توجه و دقتی بفرمائید بنابر این
در خارج دیشب نظامنامه داخلی را مطالعه کردم
بینم که آیا ممکن است قبل از گذشتن اعتبارنامه ها
سئوالی از هیئت وزراء کرد و بنده نظامنامه داخلی

نسبت باین مسئله ساکت است
بنابر این قبل از تشکیل جلسه خدمت آقای
رئیس شرفیاب شدم و عرض کردم بیک مطلبی است با
وجودیکه در نظام نامه داخلی مصرح است که و کلاه
بعد از گذشتن اعتبار نامه ها باید داخل سئوالات
بشوند اجازه بفرمائید محض تذکر آقایان در مجلس
رسمی این مطلب را بعرض آقایان برسانم و تقاضا
کنم که آقای رئیس بنام مجلس شورای ملی یک
اقدامی بفرمائید محققاً همه ما میمانیم که یک نفر
وکیل بعد از اینکه اعتبار نامه اش گذشت و وارد
مجلس شد مثل بنده و قتیقه اعتبار نامه ام گذشت
دیگر وکیل طهران نیستیم و اینکه گفته می شود
وکیل طهران از بابت تقسیمات حوزه انتخابیه است
و الا وکیل تمام اهالی ایران هستم کارم منحصر
باین نیست که فقط خود را راجع بکارهای طهران
وکیل بدانم بنابر این خودم را وکیل اصفهان هم
میدانم اینست که خدمت آقایان عرض میکنم که چگونه
ممکن است که یک نفر ایرانی بشنود که بایک زنی یک
شفت و سختی بکنند و ساکت باشد چه فرق می کند
زنهای مملکت در هر نقطه ایران باشند ناموس همه
ماها هستند حقیقتاً هیچکس فوه تحمل ندارد بنا بر
این راپورتیست از اصفهان رسیده می خواهم بخوانم
که آقایان بدانند دقت فرمائید که هنوز پلیس جنوب
(که روزهای گذشته در نطق مفصلم عرض کردم) به
پلیس جنوب (یعنی طهران ما را) بطور زیر فشار
گذاشته وجه صدماتی وارد می آورد این است قسمت
اول بریش یک نفر پلیس جنوب در حمام بایک نفر اهل
شهر نزاع میکنند و از حمام بیرون میروند که سه نفر
از هم قطاران خودش را بکشد می آورد آژان نظریه
آنها را ممانعت می نماید آژان را کتک زده و هر جا هم
آژان می بیند کتک میزند در هر حال رئیس نظریه
جاسو گیری می نمایند راپورت دیگری این است :
(امروز عصر دو سه نفر پلیس شهر جنو یک نفر زن
را گرفته ضعیفه اترس غش می کند آژان که او را
ممانعت می نماید او را کتک میزند کسبه به حمایت آژان
پلیس جنوب را کتک میزنند دو نفر آنها را گرفته به
کمیسر میبرند یک نفر هم فرار کرده عمده زیادی از
کسبه دکانین را بسته (انصافاً حق داشته اند زیرا
که مسئله ناموس است ناموس آنها هم ناموس ما است
تصدیق کردند) چند نفر از علماء را بر داشته با دانه
حکومتی آمده اظهار عدم تأمین می نمایند و میگویند
اگر این قسم باشد دکانین را فردا باز نخواهیم
کرد حکومت رئیس نظریه را با رئیس ژاندرماری
خواسته گفتند چند نفر ژاندارم کمک نظریه بدهند که
امشب اتفاقی روی ندهد تا فردا رئیس پلیس جنوب
را ملاقات و قرار در این موضوع بدهند و جنو گیری شود
آیا پلیس جنوب که امنیه مملکت ماست زنها
و ناموس ما را اینطور حفظ می کنند این است که از
تمام آقایان و کلاه تقاضا میکنم که با وجود اینکه

اعتبارنامه هاشان تماماً نگذشته باینده موافقت فرمائید
که آقای رئیس یک اقدام جدی بفرمائید و از طرف
مجلس و از طرف خود مراسم بهیئت وزراء مرقوم
فرمائید که نظایر و امثال آن بعد دیده نشود (جمعی
تصدیق کردند)

رئیس - در اینکه آقایان و کلاه قبل از گذشتن
اعتبارنامه شان حق استیضاح و سئوال دارند یا خیر
بنده نمیتوانم اظهار عقیده نمایم مجلس هم در این
باب تفسیری نه نوشته ولی برای اینکه تقاضای آقای
سلیمان میرزا انجام یافته باشد همان طور که تقاضا
کردند بهیئت وزراء نوشته می شود و جوابش را اینجا
قراوت خواهند کرد .

سردار معظم - چه نوشته خواهد شد .
رئیس - همانطوریکه یک نماینده در پارلمان
سئوال می کند نوشته خواهد شد که این مسئله صحت
دارد یا خیر ؟

سردار معظم - بنده خواستم عرض کنم که
این فرع از یک اصل کلی است . این قضایا ممکن
است همه روزه تکرار شود اصلاً بعینه بنده نباید
گویند که این وجود عاقل و مضر را چرا در اصفهان
گذارده اند بماند و اینجا باید در ایران باشد (اغلب
تصدیق کردند)

رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - موضوع عرایض بنده راجع به تدرجات
بعضی از جرائد است . بعضی از جرائد همانطور
که اغلب آقایان ملاحظه فرموده اند در درج مذاکرات
مجلس آن دقت را که باید بکنند منظور نمیدارند و
مغیرین آنها که در اینجا حاضر میشوند بواسطه اینکه
چندان دقت نمی کنند مطالب را برخلاف واقع درج
و انتشار میدهند و ممکن است سوء اثراتی
تولید نماید شاهد عرضم مذاکره جلسه شنبه است
هم جلسه صبح و هم جلسه شب این روزنامه روزنامه
بامداد روشن است که فلان در دست من است بنده
در این روزنامه چندین جا می بینم که برخلاف واقع
نوشته شده است اول راجع به پیشنهاد آقای مدرس
راجع به کافی نبودن مذاکرات اینجا می نویسند که
بعضی از آقایان تقاضا کرده اند که به جلسه بعد موکول
شود . در صورتیکه چنین تقاضایی درین نبود دوم
در موضوع تقاضای رأی یا اوراق اینجا می نویسند که
شاهزاده سلیمان میرزا این تقاضا را کردند . در
صورتیکه تقاضا کننده آقای فهم الملک بوده سیم
می نویسند که اعتبارنامه شاهزاده نصرت الدوله به موجب
۴۷ رأی در مقابل ۳۰ رأی تصویب شد در صورتیکه
عضوهای مرکز اقتضای نبوده دیگر میگوید راپورت
نمایندگی آقای عبدالسلطنه نماینده کرمان را آقای
حاج آقا قراوت فرمودند در صورتیکه آقای حاج آقا
تشریف نداشتند . و آقای آقا شیخ محمد جواد
خراسانی قراوت فرمودند این قسمت راجع به بامداد
بوده همچنین ستاره ایران راجع به جلسه دوم مذاکرات

شبه یک چیزهایی نوشته متجمله میگوید مجلس با
حضور ۵۳ نفر تشکیل شد (مجلس ما) در صورتیکه
این طور نبوده و ۵۵ نفر بوده ثانیاً دو موضوع
اعتبار نامه بنده میگویند که آقای حاج اسدالله به
اعتبارنامه بنده اعتراض کردند اما باوجود اعتراض
اعتبارنامه بنده با اکثریت تصویب شد .

البته تصدیق میفرمائید که اینطور مطالب در
خارج بواسطه بی دقتی مغیرین (نه بواسطه جهات
دیگر البته تصدیق میکنم که هیچ فرض شخصی در
پن نیست)

ممکن است سوء اثراتی کند . بدیهی است
موافق نظامنامه داخلی اگر نسبت بیک راپورتی
اعتراضی بشود (مثل اینکه امروز هم مینماید شد و
ملاحظه فرمودید) در آن جلسه نسبت به آن اعتبارنامه
مذاکره نمیشود و موکول به جلسه دیگر میشود .
چطور میشود که معترضی نسبت به اعتبارنامه بنده بوده
و معذالک مجلس در همان جلسه رأی گرفته باشد .

باین جهت بنده لازم دانستم که خلاصه آن
موضوعات را به آقایان تذکر دهم و همچنین در آن
روزیکه آقای سلیمان میرزا در نطق مفصل شان بیاناتی
فرمودند یک قسمت از آنها حذف و در قسمت دیگر
زیادی نوشته شده و راجع به جمله مختصری که بنده
عرض کردم یک تهریفاتی شده .

لهذا بنده از مقام ریاست تقاضا می نمایم که یک فکر
اساسی برای حل این موضوع بفرمائید که در آتی همه
روژه ما محتاج به تصدیق یا تکذیب یا توضیح نشویم .

رئیس - فکر اساسی شده است مجلس یک
مطلبه روزنامه خواهد داشت که تمام مذاکرات بطور
تفصیل در آن روزنامه طبع و توزیع خواهد شد .
ولی موقوف باین است که هیئت رئیسه دائمی معین شود
چون این کارها از حدود اختیارات رئیسه موقتی خارج
است . علاوه شخصی معین خواهد شد که همروژه
جرائد را بخواند و این قبیل مطالب را تذکر بدهد که
برای روز بعد اصلاح و تصحیح نمایند . پس از اینکه
بهیئت رئیسه دائمی معین شد لایحه برای تأسیس روزنامه
و معارج لازم آن به مجلس خواهد آمد .

اگر تصویب فرمودند آن روزنامه تصویب میشود
و این معایب مرتفع خواهد شد دیگر کسی اظهاری
ندارد چه (گفته شد خیر) پس جلسه را ختم می کنیم .

سردار معظم - جلسه عصر است ؟
رئیس - بلی .

(مجلس نیم ساعت قبل از ظهر ختم شد)

جلسه ۱۱

صورت مشروح مجلس عصر یوم سه شنبه

۱۷ برج اسد ۱۳۰۰ مطابق ۴

ذی حجه الحرام ۱۳۳۸

مجلس نیم ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای
مؤتمن الملک تشکیل گردید .

رئیس - صورت مجلس امروز صبح چون
هنوز حاضر نشده لهذا در جلسه بعد خوانده خواهد

شد در جلسه شنبه چون یک نفر از آقایان نمایندگان
در موقع اخذ رأی از مجلس خارج شده بودند و
آقایان متشیان ملتفت نشده بودند لذا آژانی کادر
باره پنج نفر از آقایان نمایندگان گرفته شده باطل
است و بایستی تجدید شود آن پنج نفر عبارتند از
آقایان تدین - سلیمان میرزا - عبدالسلطنه - عبدالسلطنه
و آقای سردار معظم کردستانی آقای سردار معظم
(اجازه نطق)

سردار معظم خراسانی - بنده عرضی ندارم
راپورتها را باید بخوانند .

رئیس - راپورتها خوانده شده آقای آقا سید
یعقوب (اجازه نطق) آقا سید یعقوب راجع به آقای
تدین فرمودند عرض میکنم که در موقع رأی بنمایندگی
ایشان عده تمام بود بعد از آن رفتند بیرون بنده حاضر
بودم و میدانم بعد از اینکه رفتند عده از حد نصاب
خارج شد .

رئیس - گمان میکنم که تکلیف بنده این
است که اخذ آراء نسبت بنمایندگی هر پنج نفر
باید تجدید کنم فعلاً اعتبار نامه و نمایندگی آقای
تدین مطرح .

کسی مخالف نیست ؟ (گفتند خیر) آقایانیکه نمایندگی
ایشان را تصدیق میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد راجع به آقای سلیمان میرزا
رأی میگیریم .

امیر ناصر - چون بنده مخالف بودم در جلسه
قبل متأسفانه حضور نداشتم مخالفت بنده اظهار نشده
است لذا حالاً عرض میکنم که مخالفم .

رئیس - می ماند برای جلسه دیگر - راجع
به آقای عبدالسلطنه مخالفی نیست (گفته شد خیر)
رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب
میکند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس - تصویب شد رأی میگیریم بنمایندگی
آقای عبدالسلطنه مخالفی هست (اظهاری نشد) مخالفی
نیست آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصدیق میکنند
قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . رأی میگیریم بنمایندگی
آقای سردار معظم کردستانی اعتراضی دارید
(اظهاری نشد) پس اعتراضی نیست آقایانیکه
نمایندگی ایشان را تصدیق میکنند قیام نمایند (اغلب
نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد موضوع نمایندگی آقای
مدرس مطرح است صبح قرار شد در این جلسه
رأی گرفته شود .

آقای حاج آقا - مخالف هستم .

حاج آقا - خیر مخالف نیستم .

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا - بنده چنانکه صبح هم خدمت
آقایان عرض کردم بدو میخواستیم بعضی توضیحات
راجع به این انتخاب بدست بیاورم و پیشنهاد کردم
که چند ساعتی مهلت بدهند تا بدو سیه این انتخاب را
با دقت مطالعه کنم و بالاخره این پیشنهاد را در
رأی دوم آقایان قبول و چند ساعتی به بنده وقت دادند

و بنده مطالعات خود را در شبه کردم و این مسئله
اداری دو قسمت است یکی راجع به جریان انتخابات
تهران در آن موضوع هیچ صحبتی ندارم زیرا که
جریان تمام انتخابات دوازده نفر که بالاخره بر میگردد
بعدم قبول آقای نواب و نمایندگی آقای مدرس
در حکم واحدند چنانکه مجلس یک عده از این
و کلاه را تصویب کرده آقای مدرس هم به حکم
همان قاعده در حقیقت تصویب شده هستند فقط
مطلبی که راجع به شخص ایشان است در این
انتخابات است با وجود تمام صلاحیت و صحت و صداقت
و خدمتی که در دوره مشروطیت کرده اند و بر همه
مشهور است فقط اینجا چند مسئله کوچک قانونی هست
و گمان میکنم یک روزی هم آقای سردار معظم
برای تذکر فرمودند که در آتی به امثال این قبیل
چیزها در موضوع انتخابات پیدا نشود (گویا در
موضوع شستن آراء کن بود) که فرمودند یادآوری
میکند که بعدها این قبیل ترتیبات جریان پیدا نکنند
بنده هم برای تذکر چند مسئله عرض میکنم
اول اینکه وقتیکه راپورت شبهه را آقایان بدقت
ملاحظه فرمائید شبهه مسئله را راجع کرده بوده
چهارم نظامنامه داخلی و ماده ۱۴۷ در صورتیکه
آقایان بدقت بداده چهارم رجوع بفرمائید ملاحظه
خواهند فرمود که ماده چهارم راجع بر رسیدگی در
اعتبارنامه است بهیچ وجه موضوع استعفا و رسیدن
بشخصی که بعد حائز اکثریت مجلس باشد نیست و
هم چنین ماده ۱۴۷ راجع است باینکه اگر در ضمن
رسیدگی به انتخابات یک نفر نماینده استعفا بکنند مانع
از رسیدگی به اعتبارنامه اش نیست هر چند شبهه یک
ماده از قانون انتخابات را مستند قرار داده که کاملاً
متناسب با این موضوع است ظاهراً ماده ۲۳ باشد
(گفته شد ماده چهل و سوم است) بهر حال باین ماده
راجع شده و کاملاً صحیح و مطابق باین موضوع
است یعنی اگر یک نماینده قبل از گذشتن اعتبارنامه اش
استعفا کرد بشخص بعد که حائز اکثریت است
انتخابات تعلق میگیرد در این مسئله فقط یک چیزهایی
محض تذکر یا یادآوری میشود یکی اینکه بعد از
آنکه آقای نواب قبول و کالت فرموده اند مطابق
ترتیب مطلب بر میگردد اول به مرحوم آقا سید
حسین اردبیلی نویسنده مرحوم حاجی محمد تقی شاهرودی
اما در آن تاریخ که مرحوم علاء السلطنه این تلگراف
را به آقای نواب کرده اند و پیشنهاد کرده اند که
خوبست شما در شغل خود باقی بمانید در ذیل آن
تلگراف یادآوری فرموده اند در صورتیکه شافبول
نفرمائید آقای آقا سید حسین اردبیلی بعد از شما
نایبند خواهند بود معلوم میشود در آن تاریخ آقای
آقا سید حسین اردبیلی حیات داشتند پس از اینکه
این تلگراف از طرف آقای نواب مغایره شد به
آقای سید حسین اردبیلی رجوع شده یا نشده این
یک مسئله ایست که بنده میدانم و سؤال میکنم اینها
سؤالاتی است از روی استفسار میکنم و دیگر داخل

در تذکره نخواستیم شد آقا هیئت وزراء از مرحوم آقا سیدحسین اردبیلی و بعد از مرحوم حاج محمدتقی شاهرودی سؤال فرمودند یا خیر بملاوه مطابق دومی که بنده رجوع کرده‌ام بعد از حاجی محمد تقی شاهرودی نوبت می‌رسد به آقای ملک‌الشعراء و حکومت حقاً باید به ایشان رجوع بکنند آیا رجوع کرده است یا نه بعد از آقای ملک‌الشعراء مطلب برمیگردد به حاج آقا شیرازی مطابق آن دومی که بنده در شعبه دیدم آیا بایشان رجوع کرده‌اند یا خیر؟ در صورتیکه باین دو نفر آقایان که الان در مجلس حاضر هستند رجوع شده باشد و قبول نکرده باشند نوبت به آقای مدرس می‌رسد و از اینها گذشته فقط يك مسئله در اینجا هست که بنده با کمال ارادت که به آقای مدرس دارم هیچ نمی‌پندیدم که در موضوع انتخاب ایشان این صحبت یادگار باشد و آن این است که انجمن نظارت طهران بعد از اینکه تلگراف را ملاحظه و مطالعه کرده‌اند اینطور رای داده‌اند که با این تلگراف نمیتوانند حکم قطعی بکنند که آیا آقای نواب قبول کرده‌اند یا رد نمودند این را دانسته‌اند که برای گذراندن اعتبار نامه يك تلگراف مجددی به آقای نواب بشود و از ایشان سؤال کنند و ایشان صراحتاً جواب دهند چقدر خوش حال میشدم و میبستیدم که در ظرف این مدت آن تلگراف میشد که امروز داخل چنین صحبتی راجع بشخص بزرگواری مثل آقای مدرس نمیشدم و اعتبار نامه هم میداشتند و با بودن اعتبار نامه صحبت میشد بهر حال اشکال انجمن نظارت برای این مسئله است و مکرر این مسئله خاطر نشان‌هم شده و مطابقی است واضح لکن حکمیت هر مسئله منوط به رای اکثریت مجلس است در صورتیکه اکثریت مجلس همین رسیدگی شعبه و نتیجه قضایی که شعبه از تلگراف گرفته کافی میدانند و محتاج به تلگراف‌های دیگر نمیدانند و بعد از احوال موافق هستند و مطابق رای قضایی شعبه رای میبندند دیگر در این موضوع بحثی واقع نمیشود فقط چیزی که هست این است که بهتر این بود در این مدتی که داشتیم بتوسط وزارت داخله یا وزارت خارجه تلگرافی مغایره میشد و امروز نسبت به آقای مدرس بنده این دوسه کلمه را هم راجع بانقلاب ایشان عرض نمیکردم **آصف الممالک** - بطوریکه در راپورت هم عرض شده بود وزارت داخله تلگراف اولیه آقای نواب و تکلیف شغلی که آقای علاءالسلطنه بایشان کرده بودند و ایشان پذیرفته‌اند حاکی از استعفاي ایشان دانسته و محتاج ندیده که در نانی بایشان مراجعه بشود شعبه هم وقتی مراجعه میکرد تلگراف آخری آقای نواب رسیده بود و کاملاً شعبه استعفاي ایشان را از آن تلگراف استنباط کرده و راپورت داد اما اینکه میفرمایند مطابق ماده چهارم باید به اعتبار نامه رسیدگی کرد و آقای مدرس اعتبار نامه ندارند و اگر ملاحظه فرمایند ماده چهارم تنها راجع به مسئله اعتبار نامه نیست و ماده چهارم می‌نویسد که

شعبه رسیدگی به اعتبار نامه و صورت مجلس هر دو میکند و نظرباینکه صورت مجلس انتخاب‌سازگی از انتخاب آقای مدرس بوده است از جهت شعبه حق داشته است بموجب همان ماده به نمایندگی آقای مدرس رسیدگی کند (گفته شد صحیح است) اما راجع به مراجعه نشدن به آن دو نفر آقایان که بعد از آقای مدرس حائز اکثریت بوده‌اند اولاً آقای سید حسین اردبیلی مقارن همان اوقاتیکه جواب آقای نواب می‌رسد ایشان مرحوم میشوند و وزارت داخله گویا مجال از اینکه استعلام و مراجعه بکنند پیدا نکرده بود حاج محمد تقی هم در طهران نبوده یا راه بخابره‌مسدود بوده یا اینکه چون اغلب انتخابات در يك حال فترتی بوده و مسکوت مانده است این مسئله هم همانطور بحال مسکوت مانده است و به مرحوم حاج محمد تقی هم مراجعه نشده است و بعد از چندی که بنای افتتاح مجلس شده در نانی مراجعه به آقای نواب کرده‌اند و این در وقتی بوده که شده بودند اما راجع به آقای ملک‌الشعراء اگر چه يك مراجعه به ایشان نشده و استعفاي هم نبوده ولی شعبه من باب احتیاط مراجعه بایشان کرده و ایشان چون قبول نمایندگی بجنوز را کرده بودند خودشان قبول کردند که از نمایندگی طهران استعفا بدهند بدین جهت شعبه محتاج نبود دیگر در این باب اشاره بکنند و اما راجع به آقای حاج آقا که میفرمایند بنده گمان نمیکند که آقای حاج آقا از حیث آراء بر آقای مدرس مقدم باشند اگر در این ستونیکه ملاحظه فرمودید مقدم نوشته شده است اشباعاً نوشته شده اگر بعد مراجعه بفرمایند خواهید دید که آقای مدرس مقدم هستند.

رئیس - آقای زنجانی مخالفید؟

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - خیر بنده توضیحاتی دارم جزو انجمن نظار بوده ام باید اطلاعات خود را توضیح بدهم مخالف نیست باید توضیحاتی عرض کنم.

رئیس - یا باید مخالف باشید یا موافق پس دیگر مخالفی نیست.

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده توضیح دارم اجازه میفرمایند.

رئیس - چه توضیحی دارید.

میرزا ابراهیم قمی - چون انجمن نظار اشتباه کرده‌اند باید توضیح بدهم.

رئیس - کسی توضیح نخواست است در چند روز قبل مذاکره شد که باید رعایت نظامنامه بشود تا بحال چندان رعایت نظامنامه نشده و دلالتی داشته که بخود آقایان هم عرض کردم اما بعد ما باید مطابق نظامنامه رفتار شود آقایان باید موافق باشند یا مخالف باسم توضیح نمیشود تکلم کرد (جمعی تصدیق کردند) رای میگیریم به نمایندگی آقای مدرس - آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصدیق می نمایند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

دوره چهارم

رئیس - تصویب شد آقای حاج شیخ اسدالله (احضار برای قرائت راپورت آقای حاج شیخ اسدالله راپورت شعبه ششم را بمضمون ذیل قرائت نمودند) راجع بانقلاب آقای نصیر دیوان از حوزه انتخابیه کرمانشاهان همان است که در راپورت شماره ۱۱ به مجلس تقدیم شده و در خصوص صلاحیت آقای نصیر دیوان مطابق اسناد و تلگرافات و تحقیقاتیکه شعبه نموده صلاحیت ایشان معلوم و صحت نمایندگی آقای نصیر دیوان را از حوزه کرمانشاهان شعبه تصدیق مینماید.

رئیس - راجع بوکالت آقای نصیر دیوان مخالفی هست یا خیر (گفته شد خیر) رای میگیریم آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد مطلب دیگری در دستور نیست اعتبار نامه‌هایی که امروز قرائت شد برای فردا حاضر نخواهد بود و بموجب نظامنامه ۲۴ ساعت قبل از وقت باید طبع و توزیع شود مجبوراً جلسه‌میانند برای پس فردا صبح.

مجلس يك ساعت و ربع از شب گذشته ختم شد

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک جلسه ۱۲

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه ششم ذی‌حجه ۱۳۳۹ مطابق نوزدهم برج اسد ۱۳۰۰

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید.

رئیس - صورت مجلس پریروز صبح که خوانده شده بود قبلاً قرائت میشود بعد صورت جلسه پریروز عصر (صورت مجلس صبح سه‌شنبه را شاهراده نصرت‌الدوله قرائت نمودند).

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - در آجائی که نوشته شده است برای جمع بین رای مجلس و نظریه آقای سلیمان میرزا دیگر مخالفی نیست. گفتند خیر. صورت مجلس صبح تصویب شد در اینوقت صورت مجلس عصر سه‌شنبه قرائت شد.

رئیس - نسبت باین صورت مجلس اعتراضی هست یا نیست (اظهاری نشد) مخالفی نیست تصویب شد راپورت راجع به آقای آقا میرزا طاهر تنکابنی که سابق قرائت شد طبع و توزیع شده است مخالفی نسبت بآن هست؟

محمد هاشم میرزا - خیلی متأسفم که دوره‌های دیکتاتوری و فترت‌های مشوم این چندساله (که در حقیقت از سال ۱۳۳۴ شروع شده و به اول سرطان ۱۳۳۹ خاتمه پذیرفته است) بعضی لطافت و صدمات به ملت زده و باره شایعات و گفتگوها نسبت به بعضی به‌میان آمده است که در موقع رای دادن به يك وکیل که داخل جرئانات بوده و قهراً برای بعضی اشخاص تأمل حاصل میشود صرف نظر از این

دوره چهارم

که مجلس چهارم باید داخل حل این قضایا و گفتگوها بشود یا نشود چون می‌خواهم به آقای میرزا طاهر تنکابنی رای بدهم لازم میدانم از ایشان باره توضیحات بخواهم من در غالب مدت فترت در تهران نبوده که قضایا را بتوانم موافق معلومات و مسوغات و تواتر حکمت کرده یا مجال پاره‌ای تحقیقات شخصی یافته باشم این است که در موقع رای دادن به آقای تنکابنی اصرار دارم که بدانم مداخله ایشان در دوره آقای وثوق‌الدوله و زمامداری کمیته دموکرات در بعضی قضایای سیاسی از قبیل تأیید قرارداد و غیره تا چه درجه وجه حد بوده است بارها گفتگوها و شایعات تنها بصرف مداخله در سیاست خاصی یا تأیید يك قضیه مختلف فیه سیاسی می‌بوده شاید بحکم آزادی عقاید سیاسی ایشان را مورد مسئولیت مهمی قرار ندمادام اما چون در اطراف این مداخله چیزهای دیگر هم گفته شده و می‌شود ناچارم از خود ایشان یا سایر مطلعین باره تحقیقات بشايم برای اینکه شاید در نتیجه سؤالات بتوانم افتاع شوم و طریح و اشاعه مطلب در مجلس قدری خارج از نزاکت خواهند بود پیشنهاد می‌کنم کمیسیون بحکم قرعه معین شود تا در آنجا تحقیقات و اعتراضات من که مؤید این مخالفت است طرح بشود یا افتاع شده یا بر مخالفت خود باقی بمانم.

حاج شیخ اسدالله - بنده خواستم توضیح بدهم که آیا این تقاضای کمیسیون بعد از گذشتن اعتبار نامه از مجلس است یا نظرشان این است که اعتبار نامه مسکوت عنه بماند تا اینکه کمیسیون نظریات خودش را بعد از رسیدگی به مجلس اظهار بدارد اگر نظریه اول است حرفی ندارم ولی اگر نظریه اخیر باشد بنده تصور میکنم تا مجلس رسمیت پیدا نکند یعنی سربرخ از اعتبار نامه‌های نمایندگان از مجلس نگذرد مجلس شورای ملی نمیتواند همچو اقدامی بکند اگر چه اساساً بنده باتشکیل يك چنین کمیسویی هم عقیده هستم نسبت به يك شخص مخصوصی بلکه نسبت به همه حتی خود بنده باید سابقه اعمال بنده هم تعیین شود و مجلس شورای ملی بداند که سابقه بنده چه بوده مخصوصاً در دوره فترت هر کسی يك سابقه درخشانی داشته باشد محل توجه و تمجید مجلس شورای ملی واقع شود و اگر هم خدای نخواسته يك نفر يك قصوری کرده باشد مکشوف می‌شود حالا اگر هر آینه مقصودشان بعد از رای گرفتن با اعتبار نامه است بنده هم عقیده دارم و اگر مقصودشان این است که اعتبار نامه بماند تا راپورت آن کمیسیون به مجلس بیاید خلاف ترتیب پارلمان است و بنده مخالفم.

رئیس - پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا قرائت میشود گویا مطلب واضح باشد (آقای مستشار السلطنه پیشنهاد مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

این بنده پیشنهاد میکنم کمیسویی به قرعه معین شود که مطلب خود را راجع به آقای تنکابنی در آنجا مطرح نموده و تکلیف قطعی معین گردد (اعضاء محمد هاشم میرزا)

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

رئیس - آقای حاج آقا مخالف هستید یا پیشنهاد.

حاج آقا - بلی بنده اساساً این پیشنهادی را که شاهراده فرموده‌اند مخالف با نظامنامه و ترتیبات دیگر نمیدانم ولی از رقیق محترم خود می‌خواهم استدعا کنم راجع باصول نظریات سیاسی اشخاص همانطور که قبلاً مذاکره شد يك ترتیب علیحده اتخاذ کنند که در آتی در امر اعتبارنامه و اصول نمایندگی قضایای سیاسی گذشته را راجع به چکس دخالت ندهند بنده بکلی مخالف با اینکه در امر اعتبار نامه و اصول نمایندگی قضایای سیاسی گذشته را دخالت دهند من خود میل دارم آن اشخاصی که در مقامات مملکت يك دخالت‌هایی داشته‌اند یا خوب یا بد در يك محکمه صالحه محاکمه بشوند و باز در محکوم باشند یا محکوم له شدنشان مکافات یا مجازات بشوند ولی این قضیه بهیچوجه راجع به ترتیب انتخابات نیست من عقیده‌ام این است که در قضیه اعتبارنامه ها قضایای سیاسی را دخالت ندهند و اعتبارنامه ها را از تقاضه نظرجریان رد کنند یا قبول بکنند ولی برای آتیده کما اینکه من خود هم با این تقاضا اساساً موافقم و تقاضا خواهم کرد يك محکمه صالحه برای این قضیه یعنی برای رسیدگی باعمال تمام زمامداران و اشخاصی که در مقام ايام فترت دخالت در سیاست مملکت کرده‌اند محاکمه بشوند اگر حقیقتاً خدمتگزار بوده‌اند مکافات والا مجازات شوند.

رئیس - آقای سردار معظم با پیشنهاد موافق هستید.

سردار معظم - بلی بنده با پیشنهاد موافقم برای اینکه قانون انتخابات و مورد صحت و سقم انتخابات فقط منحصر بجرایم انتخابات نیست بلکه يك قسمت منحصر بصلاحیت و عدم صلاحیت نماینده است و هرگاه از این نقطه نظر داخل در مذاکرات شوم قهراً هر نماینده حق پیدا میکند که قطع نظر از جرایم انتخابات در اعمال نماینده دیگر امان نظر بکنند و در مسائل سیاسی گذشته اودقت نموده و حکمت کند پس اصولاً باید معتقد باین پیشنهاد شاهراده یا هر يك از نمایندگان شد منتهی نظرباینکه وقت مجلس و مصالح مجلس اقتضا ندارد که تمام مذاکرات و مشاجرات گذشته در اینجا زنده بشود مجلس شورای ملی در موقع پیشنهاد آقای مدرس این اصل را اتخاذ و تصویب کرد لهذا باید يك راهی پیدا کرد برای اینکه این رای مجلس محترم و محفوظ باشد و از طرف دیگر اگر برای يك نماینده مشکلی حاصل بشود و رفع آن اشکال شده و آن نماینده افتاع بشود و قتیکه رقت بکنیم هیچ راهی نمیمانند جز اینکه يك هیئت کوچکتری از خود مجلس مأمور بشود و آن نماینده که میل دارد در آنجا حاضر بشود و توضیحات و مطالب خودش را عنوان کند ممکن بود شاهراده محمد هاشم میرزا از تریبون استفاده بکنند و تمام مطالب خودشان را اظهار دارند ولی اگر اینکار را میکردند شاید منافات داشت با آن رأی که مجلس شورای ملی داد بنا بر این

میگویند يك کمیسویی معین بشود در آنجا رفته اشکالات و موانع خود را طرح کنیم اگر قانع شدم خواهم گفت قانع شدم و اگر قانع نشدم خواهم گفت نشدم و اگر زمینه مذاکرات طوری بود که افتاع کنند نبود باز از حق خود استفاده خواهم کرد و باز پشت تریبون خواهم آمد و حرف خود را خواهم زد و بنده بنده برای جمع کردن هر دو طرف قضیه را منحصراً بر فرد فقط تعیین کمیسیون است و برای اینکه در تعیین کمیسیون هم اراده اقلیت و اکثریت ذمیدخل نباشد و برای اینکه گفته نشود که این کمیسیون از نقطه نظر خاص تشکیل شده باشد حکمیت این قضیه با قرعه باشد يك کمیسیون پنج شش نفری بحکم قرعه تشکیل میدهند و شاهراده محمد هاشم میرزا میروند آنجا و مطالب خودشان را اظهار میکنند آن کمیسیون اگر ایراد را وارد بداند رد میکند و کمیسیون غالب میشود و اگر وارد دید قبول نموده و مغلوب می‌شود و اگر ایراد را وارد دید آن کمیسیون يك نظریه را پیشنهاد میکند و در ضمن راپورت خودش زمینه مذاکرات مجلس را معین خواهد کرد بنا بر این من هیچ اشکالی نمی‌بینم.

حاج آقا - بنده فقط می‌خواستم دو کلمه عرض کنم که آن عرضی را که کردم هیچ منافات با قانون انتخابات ندارد و اصراری هم ندارم که این پیشنهاد را پس بگیرند یا نگیرند ولی بنده اصولاً عرض کردم و عقیده خودم این است که مذاکرات سیاسی را نباید علت عدم صلاحیت در امر انتخابات تصور نمود باید هر يك مجازات علیحده معین شود و منافات با هم دیگر ندارد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه نطق)

آقا سید یعقوب - عرض میکنم که بر همه کس معلوم است انتخابات آقای آقا میرزا طاهر تنکابنی انتخاب ملی بوده است و چون انتخاب ملی بوده است و شاهراده محمد هاشم میرزا هم از حزب محترم دموکرات است برای همه این حق هست که اگر نسبت به حزب مقدس يك صحبتی بشود آن مذاکرات را تعقیب کنند تا معلوم شود مطلب چه بوده.

رئیس - گمان میکنم مذاکرات در این باب کافی باشد رای بگیریم آقایانی که با پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد (عده اعضاء کمیسیون شش نفر باشند)

محمد هاشم میرزا - بلی شش نفر کافی است.

رئیس - در آخر جلسه اعضاء کمیسیون تعیین میشود راپورت راجع به آقای مقل السلطنه مطرح مذاکره است آقای تدین (خطاب) جناب عالی مخالف بودید بفرمایند.